



استندانش علی الشونین فی الزمان فی الزمان



۱۶۸

ماهانامه مسجد/ ماهنامه فرهنگی، آموزشی و ترویجی/ دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد/ شماره ۱۶۸/ دی ماه ۱۳۹۲/ صاحب امتیاز: مرکز رسیدگی به امور مساجد • مدیر مسئول: حمید مشهدی آقائی • دبیر تحریریه: حسن علی آبادی/ دبیران سرویس • سرویس منبر: یاسر شریعتی • سرویس رواق: سیدعلی آقائی • سرویس محراب: علی بانسی • سرویس شبستان: مهدی اخلاقی • گروه مولفین: حجج اسلام علیرضا روزبهانی، پروچردی، محمدرضا خطیب دامغانی، حمیدرضا گودرزی، علیرضا بشیری، احمد مودعی، حسین زمان پور، صمد نظری، هادی الیاسی، محمدحسن طیبی، سیدمحسن باقی زاده، مریم نوبیان زرنندی، رضا کاظمی راد، سید مرتضی موسوی، الهام صباحی، مهدی منتظری، علی سعیدی، سیدمحمدطاهاموسوی، محمدجواد مقدمی شهیدانی، سیدروح الله دعائی، علی صادق سرشت • طراحی و گرافیک: گاه گاه طراحی و گرافیک کمان • ویراستار: محمدباقر حقانی فصل • شمارهگان: ۳۰۰۰



منبر



مهاتر شادادی بخشی در سخنرانی ۴/ ابتدا و انتهای یک خط ۵/ نمونه فیش ۶/ و تقلید فی الساجدین ۱۱/ مادر حقیقی مومنان ۱۳/ تکریم آثار موحدان در قرآن ۱۵/ خرم اهل بیت و حریم تشیع ۱۷/ و مسجدش را مرکز دنیای دانست ۱۹/ در پوش لباس نو و خوش بر سر منبر رو ۲۱/

رواق



چه کسی پاسخ میدهد ۲۴/ بهائیت ملغمه ای از تناقضات ۲۵/ علی محمد باب ۲۸/ مردی که زیاد نمیدانست ۲۹/ ضربه کاری ۳۰/ نوزده گام تابناهی ۳۱/ میرزا یحیی صبح ازل ۳۲/ سرانجام دین فرجام انسان ۳۳/ و آنها شعار میدهند و بس ۳۵/ هر آنچه هستی باز ۳۶/ در جستجوی حقیقت ۳۶/

محراب



در مسیر بهشت ۳۸/ مسجدی در حوالی اتوبان ۳۹/ باب النساء ۴۲/ پولپهانی که خرج نمیشوند ۴۲/ تکریم بزرگان ۴۳/ مسجدهائی به قدمت تاریخ ۴۴/ کودکان مسجد ۴۴/ همسایه آسمانی ۴۵/ خانه خدا ۴۶/ هدیه های ماندگار ۴۶/ منابع مالی مسجد ۴۸/ لطف ابدی شود ۴۹/ دعوت به همراهی ۴۹/ مردم باید اعتماد کنند ۵۰/ مسجد یا بنگاه اقتصادی ۵۲/

شبستان



بنائی استوار بر تقوا ۵۴/ کثرت در عین وحدت ۵۶/ بصیر تیم آرزوست ۵۸/ برای وحدت... ۵۸/ آمریکا و سودای مذاکره با ایران ۶۱/ لیبرالیسم ۶۲/ صدف حجاب ۶۳/ نقش بر آب ۶۴/ چو کاظمی به رخم اشک شوق میبارد ۶۶/ از تابا ایمانی ۶۸/ مفهوم نقد دینی در سینما ۶۹/ زمس عمل تا طلای نظر ۷۰/ کتابخانه مسجد معرفی کتاب «مشاوره زیر گنبد فیروزه های ۷۲/»

آدرس: قبه بلوار شهید صدوقی، ۲۰ متری حضرت ابوالفضل (ع)، بلاک ۱۰۳

دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد

تلفن: ۰۲۵-۳۳۹۳۸۳۵۰۲۵ • نمایر: ۰۲۵-۳۳۹۳۸۳۷۰۲۵ • سامانه پیام کوتاه: ۱۵۱۵۴۲ ۳۰۰۰

نشانی اینترنتی: <http://www.masjed.ir> • پست الکترونیک: n.masjed@chmail.ir



برای همه مظاهر دینی مانند مسجد از
له سن معمول جامعه مؤمنان بوده
که چرا که مسجد پیش از آنکه یک
مختصان و بنای بارافراشته شده باشد،
جامعه انسان ساز است که تمامی
نفع مادی و معنوی فرد و اجتماع
انسانی را ن تعریف و تبیین می گردد
این هرگز نمی توان پذیرفت که
در مکان بارز می رهتای باشند
نافع شخصی و صنفی داشته باشند
و یَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مِنْ أَمَنِ اللَّهِ
وَمُؤْمَرِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ
يُخَشِئُ لِلَّهِ فَغُفِرَ لَهُ أُولَئِكَ أَنْ

روش استفاده کرده است. باز آنکه در این نوشتار کتب، استناد نیست نقل و تقدیر ضرب المثل نیست؛ اما بد نیست اینها را به عنوان راهنما به یاد داشته باشیم. در این نوشتار به این نکته پرداخته شد که گاهی بدفهمی ممکن است معنای یک کلام خوب را معکوس نماید؛ مانند ضرب المثل «چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است».

بر هر کسی که اندک آشنایی با مفاهیم دینی داشته باشد کاملاً روشن است که این ضرب المثل اولیة اهل بیت (ع) است؛ اما این ضرب المثل‌ها نامقبول است؛ چرا که هزینه برای این می‌بشود و همه جا قدم

سرمقاله

پایه نامه
آموزشی
فرهنگی
در ویدیو

پی نوشت:

٢٠. توبه / ٢٠

1. توبة ١٧٧



ابتدا و انتهای یک خط

کار کردهای ارتباطات در شیوههای تبلیغ دین
علیرضا بیشتی

مقدمه

در زمانی که پیامبر ختمی مرتبت (صلی الله علیه و آله) پای از کوه نوره بر زیر نهاد و به سمت منزل لگه خود حرکت نمود و راه خود را با همسر بزرگوارشان خدیجه (سلام الله علیها) در میان گذاشت؛ مفهوم تبلیغ دین شکی رسمی به خود گرفت. پروردگار عالمیان در همان آغاز مبعث پیامبر خاتم، قوام و بقای دین آخرش را در کنترل و چگونگی تبلیغ دین به دیگر انسان هادید و چیز بیایمیا پیوست.

تبلیغ هماره معنوی جلایی ناید؛ از دین مبین اسلام بوده است. اگر مدعیان اسلام، امام (علیه السلام) را در تکناقرار می دانند و ایشان به شخصیت می رسانند، از رساندن حق به گوش تشنگان و تاریخ اسلام واقعی هراس داشتند؛ گر نه صورت و سبوت این یلنلقافان تاریخ آن قدر دلربا و تهییج کننده بود که دل دشمنان خود را نیز به سوی خود می کشاند. توسعه و وسایل ارتباط جمعی و شبکه های ارتباطی را برای چندرسانه های نظیر تلویزیون، رادیو، گوشی های هوشمند، دنیای معاصر، تابلان جاموژن بوده است که نه تنها علم ارتباطات را به عنوان یکی از محورهای اصلی معاملات دنیای معاصر کرد، بلکه عصر معاصر را عصر ارتباطات و جامعه حاضر را جامعه اطلاعاتی نامیده اند.

علم ارتباطات اجتماعی «در مجموع شامل علوم است که سه حوزه معرفتی آن مورد کنش قرار می دهد»^۱. محتوای پیام، ابزار و وسایل انتقال هستند پیام، گیرنده و مخاطب پیام.

همان گونه که مشاهده می شود علم ارتباطات به روشی بسیار زیادی با روش و قالبهای تبلیغی دارد. این علم مباحث دیگری مانند اقناع، تأثیر بر مخاطب، ارتباطات اثربخش، شیوه های بروز تبلیغات را برای مبلغان محترم دارد. از این شماره به بعد در همین بخش به ذکر این موارد پرداخته و در حد دانش اندک نویسنده این مسطور، مباحثی جهت بررسی و معرفی این مباحث ارائه خواهد داد.

پی نوشت:

1. Science Communication.

برای گرفتن حسن غلامی لیخنزدن و تبسم کردن در هنگام اجرا بسیار راجع به شخصیت و هویت این سن باید با گفتنی که کار شادی و لیخنزدن دارند همراه شود و اگر بار شادی و خنده زیاد بود این حسن نیز باید بیشتر شود.

۲. تنظیم فراز و نشیب صدا

در ملز و لطفیه و محتوایهای شاد برخی جاها این اقتضای دارد که صدا بالا برود، به گونه ای که اگر صدا بالا نرود، اصلاً آن اجرا شادی بخش نخواهد بود یا با المکس در بعضی قسمت ها باید صدا پایین بیاید.

۳. هماهنگی حرکات با لحن و محتوا

استفاده از حرکات، گرفتن رست خاص و متناسب و هماهنگ بودن حرکات و رست ها با محتوای شاد، بسیار شادی بخشی را بالا می برد. حتی گاهی اوقات شاد کردن مجلس با بعضی محتوا فقط و فقط با استفاده از حرکات میسر است و بدون استفاده از حرکات اصلاً نمی توان شادی را به مجلس منتقل کرد.

۴. گردن زدن به موقع یا مخاطب (گره هنر مندا نه زدن)

۵. تنظیم سرعت و فرصت کلام

گاهی لازم است برای اینکه زمینه خنده و شادی ایجاد شود، فرصت کوتاهی به مخاطب داده شود؛ مثلاً می توان با کمی خنده و لیخنزدن سستی را شروع کرد و در همان ابتدا اندکی مکث کرد تا مخاطب خود را برای شنیدن مطلبی شاد آماده کند. این مکث علاوه بر فرصتی که به مخاطب می دهد، توجه او را نیز جلب می کند.

۶. لحن خاص، لهجه خاص

همه افراد نمی توانند لحن خاص و یا لهجه خاص را داشته باشند. از سوی دیگر باید به این هم توجه داشت که گاهی لحن یا لهجه باعث می شود سخنران و چهره و مقبولیت خود را از دست بدهد.

۷. قطع کردن کلام

در بعضی لطفیه ها و ملز در جای خنده دار و حساس اگر کلام، قطع شود دیگر توضیحاتی بهمان آن ندیم غالباً مخاطب خیلی تحت تأثیر قرار نمی گیرد.

۸. تغییر صدا

این کار البته باید با حفظ شأن و جایگاه سخنران و با توجه به مخاطبان باشد. گاهی می توان برای شاد کردن و خندان مخاطب، صدای شخصیت های مختلف را به طور خاصی و متناسب با خودشان اجرا کرد؛ مثلاً صدای پدر عصایی از دست فرزند، یا فریاد و عصبانیت و صدای فرزند با فرود و لرزان اجرا شود.

ادامه دارد

پی نوشت:

۱. علامه مجلسی (رحمته الله علیه)، ج ۲۴، ص ۲۸۵، ۲۸۶، به نقل از: امامی، صدوق و مینو، اخبار الرضا (علیه السلام).



حسن شادی نداشتن

۲. هم حسن خزن و آشفته را رعایت می کنند و هم حسن شادی را؛ ولی برای شاد کردن مجلس بی دقتی می کنند و بعضاً مطالبی مطرح می کنند که بار منفی دارد.

۳. هم حسن خزن و اندوه را رعایت می کنند و هم حسن شادی را و آشفته آنان مورد رضایت خدا و اهل بیت (علیهم السلام) است؛ چون ملاک ها و خط قرمزها را رعایت می کنند که البته این افراد کم اند.

دسته اول چون راه روش های شادی بخشی را نمی دانند و چهار لازم و کافی را در این زمینه ندارند؛ اصلاً حسن شادی به خود نمی گیرند و به مقوله شادی و شادی بخشی وارد نمی شوند و همیشه گرایش به خزن و اندوه دارند.

دسته دوم روش های شاد کردن مجلس را می دانند؛ ولی در انتخاب محتوا یا در چپش و اجرای آن دقت نمی کنند، به طوری که بعضی از مطالبی که نباید بگویند می گویند؛ مثلاً در خصوص روحانیت و مقدسات، مطلب ملز یا لطفیه های مطرح می کنند که کاملاً قضاقت روحانیت را پایین می آورد.

دسته سوم در محتوا یا چپش یا در اجرا به جایگاه منبر و وعظ کاملاً توجه می کنند. آنان روش های شاد کردن مجلس را بلدند و در انتخاب محتوا یا چپش و اجرا نیز دقت دارند تا آسین نداشتند باشد.

اهداف شادی بخشی

۱. شادی و نشاط بخشیدن به جلسه به جهت شادی اهل بیت (علیهم السلام) در اعیاد و مناسبت های شاد؛

۲. جذب کردن سخنرانی؛

۳. لذت بخشیدن به منبر و سخنرانی به طوری که مخاطبان برای جلسات بعد با انگیزه بیشتری در مجلس حاضر شوند؛

۴. مقدمه گیری برای ورود به فکر و اندیشه مخاطب؛

۵. رفع خستگی و تنوع بخشیدن به سخنرانی؛

۶. تغییر نگرش بعضی از مردم و جوانان به سخنران و مبلغان (چرا که واقفاً بعضی از مخاطبان گمان می کنند مبلغان را روحانیان هیچ ربطی با شادی ندارند)؛

۷. ماندگار شدن مطلب و محتوای بخشی در حیطه انجام در منبر و وعظ و سخنرانی شادی بخشی در حیطه انجام می گیرد؛ ۱. اجرا ۲. محتوا.

پی نوشت:

شادی بخشی در اجرا

۱. حسن شاد کردن

برای گرفتن حسن شاد کمی لیخنزدن و تبسم کردن در

امام رضا (علیه السلام) فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا... فَأَخْزُوا لِحُزْنِكُمْ وَأَفْرَحُوا لِفَرَحِكُمْ»^۱ ای کسانی که ایمان آورده اید پس در اندوه ما اندوه کنید و در شادی ما شاد باش!

روایاتی از این قبیل هست که اهل بیت (علیهم السلام) فرموده اند در اندوه ما اندوه و غمگین و عزادار و در شادی ما اهل بیت (علیهم السلام) شاد و خوشحال و مسرور باشید.

خوشحال و مسرور باشید در عمل به این فرمایش ائمه معصوم (علیهم السلام) مبلغان و سخنران به چند دسته تقسیم می شوند:

۱. بی سخنرانی حسن خزن و اندوه را کاملاً رعایت می کنند؛ ولی به

ممنبر شادی بخشی دوست سخنرانی
صمد نظری / استاد مرکز تخصصی تبلیغ

ع
مبلغان دوست سخنرانی

۵
شماره ۱۶
دوره ۱
۱۳۹۴



احمد محمد حدي / طالبه سطح سہم رک تخصصی تبلیغ

به یقین می توان گفت که تنهائی مسلمانان کیهانیه بر عین اسلام در سوره حیاء چنانچه بر تفسیر این آیه بیان را تا یکمی کردند تفاوت داشتند. سبب این تفاوت در تفسیر این آیه است. از آنجا که همه قفسه ۸ ساله ایشان بر آن متمرکز بود، مسئله برقراری و حفظ وحدت بین مسلمانان و پیروان تفرقه و جدایی در صفوف ایشان است؛ مسئله که در این زمان متعطل بر آن اشاره را کرده می فرماید: «وَأَصْصَوْا بَعْضَ الْخَلْقِ الْجَمِيعَةَ لِقُفْوِهَا»^{۱۰}

همین دروغه عوام برانگشت گذشته می گوید: محمد (صلی الله علیه و آله) اقبال بر آنکند، کوچک، برهنه و کمر کشور خوش را مانند یک جامه قفسه دوبا

۱۰. اضافه کرد:



امام صادق علیه السلام به شیعیان چنین توصیه می کند: «کُونُوا لِمَنْ انْقَطَعَتْ إِلَيْهِ زِينَا لَا تَكُونُوا عَلَيْهِ فَنِينَا» شما زیورهای باشید که دل به او بسته و نگ او نباشید. اگر در میان بزرگان اهل سنت و سنی هستید یا «شعوافی غیباریم و عودوا مرضاجم و اشهدوا حیاتهم» در میان پرهیزهای آنان نماز بخوانید و بیمارانشان را عیادت کنید و مدهاشان را تسبیح کنید.

تحریک احساس وحدت فرزند تو حیدو

پروپوزیشن‌ها همان عدالت است؛ لذا افراد را به‌طور یکنواخت به‌همان عدالت می‌رساند. اما اگر این عدالت را به‌طور یکنواخت به‌همان افراد می‌رساند، آن‌ها را به‌طور یکنواخت به‌همان فقر می‌رساند. این همان چیزی است که در مورد عدالت می‌گویند: عدالت به‌همان فقر می‌رساند. اما اگر این فقر را به‌طور یکنواخت به‌همان افراد می‌رساند، آن‌ها را به‌طور یکنواخت به‌همان عدالت می‌رساند. این همان چیزی است که در مورد عدالت می‌گویند: عدالت به‌همان فقر می‌رساند.

❖ **رفتار سازی** حضرت امام خمینی (ره) خطر تفرقه و اختلاف شیعه و سنی را عمیق یافت که فرمود: «ز ملی گراییی خطرناک تر و غم انگیز تر، ایجاد خلاف بین اهل سنت با شیعیان است».^{۱۳}

اباعبدالله الحسين از
قصاص این دوفردمی گذرم.
در پایان به استفتایی اشاره
می کنیم که از محضر حضرت
آیت الله وحید خراسانی شده است:

[illegible]

پیوستہ متن:
 مہدی مومنی، خدمات اسلامی ایران، ص ۷۵
 نقل از شیخینویہ المصطفائی، ج ۱، ص ۲۰۳
 ۱۲. ۱۲، ص ۱۲
 ۱۳. مکارم شریزی، ناصر، ترجمہ نمونہ، ص ۱۹۶
 ۱۴. نقل از بیروت، علامہ محمد باقر عابدی، بیگانہ محضو
 قرآن مجید، مکتب اسلامی، ص ۱۷
 ۱۵. مطہری، ذوالفقار علی، ترجمہ قرآن، ص ۴۲
 ۱۶. شیخینویہ المصطفائی، مکتبہ الفکر، ص ۲۰۳
 ۱۷. علامہ عابدی، ص ۱۹۶
 ۱۸. ص ۱۲
 ۱۹. شیخینویہ المصطفائی، ج ۱، ص ۱۶
 ۲۰. علیہ السلام، عروج اللہ، بیہمتانہ و جمہور
 اجتماع، ترجمہ از علیہ السلام، مکتبہ الفکر، ص ۱۲
 ۲۱. ہدایت محمدی، مکتبہ امامت، مکتبہ الفکر، بیروت
 ۲۲. دواد لکھنوی، (نامعلوم)
 ۲۳. ترجمہ حلی، ص ۱۶
 ۲۴. ۱۲، ص ۱۲
 ۲۵. ۱۲، ص ۱۲
 ۲۶. ۱۲، ص ۱۲
 ۲۷. ۱۲، ص ۱۲

صلح امام حسن مجتبی فرموشی قهرمکان خانه

حمیدرضا گودرزی | استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم

تحریک احسان‌پروش سوی

چرا امام حسن علیه السلام با معاویه صلح کرد؟
حساس‌ترین بخش زندگانی امام مجتبی علیه السلام که مورخین و محققان در قبال واقع شده ماجرای صلح فراوان واقع شده است. مورخین از شهادت امام مومنان علیه السلام به شیعیان باقر زنده‌ی امام حسن مجتبی علیه السلام به نکرده بودند؛ بابت نبودن امام حسن علیه السلام به شیعیان داد امام حسن علیه السلام بیش از انجام می‌داد و بر برابر معاویه قیام می‌کرد و انگاه با پیروزی می‌شد با شهادت خود حکومت معاویه را متزلزل می‌کرد؟

ایجادات ایجادات ایجادات

وقتی سخن از سیاست است، امام معصوم علیه السلام خود را «عارف سیاست» معرفی می‌کنند؛ یعنی آشنایان و سیاستمداران به حاکمان، ائمه هدایت هستند که به تمام امور سیاست آگاهند البته سیاست صحیح و خیر و خفایای. چنین سیاست هدایت و رساندن جامعه به صلاح و فلاح است. هدف اصلی امام و نظام امامت جامعه‌سازی و صیانت از جامعه نبوی است و جنگ و صلح امری فرعی آن نیست که در مسیر جامعه‌سازی به دلیل تعارض‌های بنیادی بین حکومت‌های قبل و حکومت ایشان به وجود می‌آیند.

۲۵ ربیع الاول ۶۱

افق‌اندیشه با استفاده از اسلوب تفهیم و تبیین و مستند کردن مطالب

بر اساس آنچه گفتیم امام حسن علیه السلام در این مسیر ناچار به جنگ شد و پس از تهایی و تأمیدی از رسیدن به هدف، صلح امضا کردند و هنگام امضای صلح نامه فرمودند: «لکن پیش آمدن ناامیدی از حق که زنده دارم و باطلی که بمیرا رسید».

استفاده کرد، چند عامل باعث صلح شد: اول اینکه جریان شناسی دقیق و طیف متعارض صالحان و ناصالحان نشان می‌دهد که دنیا زدگی و عدم دینداری مردم بسیار مژد بود که حضرت از این دو عامل این گونه یاد می‌کنند: «نگفتا از مردمی که می‌دین نه حیا دارند و نه دین... آفر شما ای بندگان دنیا».

همچنین امام در پاسخ به سر دادن شعار زندگی فرمود: «معاویه ما را به چیزی فرا خوانده است که عزت در آن نیست، اگر زندگی دنیا را می‌خواهید می‌پذیریم و این کار در چشم‌را تحمل می‌کنیم و اگر مرگ را بخواهید آن را در خدا زاری می‌داریم» که راوی می‌گوید همه فریاد زدند.

آری دنیا زدگی و عدم دینداری، مردم را از امام جدا کرد، حتی بعضی از خواص امام را مثل عبداللّه بن عباس که فرمانده لشکر امامی و امتداد بود، در جای دیگر در جواب اعتراض بعضی به صلح فرمود: «سوگند به خدا حکومت را به معاویه ندادم، مگر اینکه یاری نیافتم».

دوم اینکه زمان حکومت معاویه با زمان حکومت یزید کاملاً نقر می‌می‌کرد، معاویه در ظاهر انسانی متدین بود، جنگ با او برای توأست حکومت او را متزلزل کند؛ لذا امام حسن علیه السلام نیز در زمان حکومت معاویه دست به چادر زد و در جواب یکی از نامه‌های معاویه، خود را این‌گونه صلح نامه امام حسن علیه السلام معرفی کرد: «وعدا لله ان انقضی عهدا عهدی الیک ای الحسین».

ایجادات به روش بیان اهمیت مطلب

سوم اینکه از نظر سیاست خارجی آن روز، جنگ داخلی مسلمانان به سود جهان اسلام نبود زیرا امپراتوری روم شرقی به دلیل آسیب‌هایی که از اسلام خورده بود، مدت در صورت مناسب بود تا ضربات مؤثر و تلافی‌جویانه بر بیکر اسلام وارد آورد پس می‌توان گفت به تعبیر مقام معظم رهبری، حضرت روشی قهرمانانه انجام دادند. در یک دورنگی، فرایند و آثار صلح پیشتر از جنگ بود که عبات است از:

۱. بقای نظام امامت: «خواستم حافظی برای دین باقی بماند».
۲. بقای شیعه: «گر صلح نمی‌کردی روم زمین از شیعیان ماسی باقی نمی‌ماند».
۳. حفظ دین و عزت و صلح: «که سیدم رهش مسلمانان واقعی از زمین کنده شود... خواستم دین خدا حفظ شود».
۴. تأمین عزت و اوقاسی: هر چند صلح به ظاهر عقب‌نشینی بود، عامل عزت شیعیان شد.
۵. پس این آثار نشان داد که تداوم جنگ فاقد دستاورد معین بود و صلح تا تکنیکی (ترک مخاصمه) نسبت به جنگ راجح بود، هم‌طور در مقایسه دستاورد دو طرف از صلح، دستاورد امام به مراتب بیشتر بود زیرا یکی از دستاوردهای امام حفظ نظام امامت و شیعیان بود، از طرفی معاویه فقط به فکر به دست آوردن حکومت بود، باید پایه‌های نظام امامت که یادگار پیامبر بود حفظ می‌شد؛ چرا که تداوم نظام امامت به عنوان نگهبان از انقلاب پیامبر به عصرهای بعد هم مربوط می‌شود و این با صلح تأمین می‌شد؛ چرا که در صورت شکست امام حسن علیه السلام، تنها ایشان شهادتی شد، بلکه همه شیعیان و ارتدندان واقعی در راس آنان اهل بیت و امام حسین علیه السلام همه به شهادت می‌رسیدند.

یادداشت

۱. شیخ صدوق، «طول الرجال»، ج ۱، ص ۳۲۱.
۲. ابنی، «الرجال»، ج ۲، ص ۵۷۵.
۳. علامه مجلسی، «بحار الانوار»، ج ۲۲، ص ۱۶.
۴. طبرسی، «معجم فی المناسبات»، ج ۲، ص ۱۷.
۵. مومنین، «تذکره ائمه»، ج ۱، ص ۳۳۸.
۶. علامه، «مستدرک»، ج ۱، ص ۳۳۸.
۷. شریف قزوینی، «امام‌الامام حسین علی بن علی»، ج ۳، ص ۳۳۸.
۸. علامه مجلسی، «بحار الانوار»، ج ۲۲، ص ۱۶.
۹. شریف قزوینی، «تذکره ائمه»، ج ۱، ص ۳۳۸.
۱۰. بی‌نویس، «مختصر سیرت رسولان».

استدلال تاکتیک تاکتیک

ایران اسلامی شاهد صحنه‌ای دیگر از این تاکتیک دیپلماتی است؛ لذا باید مسئولان همان گونه که مقام معظم رهبری فرمودند مراقب دشمن باشند، غرب به سر کردگی امریکا برای از بین بردن این نظام متفلس از هیچ تلاشی و پیگردان نیست؛ همان گونه که معاویه برای از بین بردن اسلام مجتبی از هیچ تلاشی فرو نگذاشت؛ دور اندیشی، حفظ اسلام و نظام اسلامی و منویات مقام معظم رهبری، حفظ ارزش‌های نظام و شهدای اسلام، همان گونه که امام حسن علیه السلام باید زیور کلاه نبال شود و این سندها ماکر دیباچه مثل معاهده امام حسن با معاویه مایه عزت و آبرو و سر بلندی باشد در ادامه، برداشت‌های امروزی از مصادح نامه امام حسن علیه السلام می‌آیند.

بر دواز اوج سخن و برداشت‌های به روز از مطلب

ماحه اول: «حسن بن علی علیه السلام حکومت و زمامدار را به معاویه واگذار می‌کند، معاویه به آنکه معاویه طبق دستور قرآن مجید و روش پیامبر رفتار کند».

برداشت امروزی این ماده شاید همان باشد که در این مذاکرات هم آمده؛ یعنی اگر غرب به تمهانش وفادار بود، ما هم عمل می‌کنیم.

ماحه دوم: «عبداللّه معاویه خلافت از حسن بن علی علیه السلام خواهد بود اگر برای او حادثه‌ای پیش آید، حسن بن علی علیه السلام زمام زمام مسلمانان را در دست می‌گیرد و معاویه حق ندارد برای خود جانشینی تعیین کند».

امروز هم غرب حق ندارد هیچ گزینه‌ای غیر از این گزینه دیپلماتی را روی میز قرار دهد؛ چون تنها دیگ نوعی اعتماد دایی لراند.

ماحه سوم: «دست، سازگاری و اهانت نسبت به امر مومنان و علم ان حضرت در حال نماز باید متوقف گردد و از علی علیه السلام نباید چیزی بنگی باشد».

امروز غر ب باید تمام تبلیغات منفی علیه شیعه را کنار بگذارد و اجازه بدهد طبق دستور سازمان ملل، شیعه هم مانند سایر ادیان را پذیرش را به گوش تمام جهان برساند.

ماحه چهارم: «پنج میلیون درم که در بیت المال کوفه موجود است، از موضوع تسلیم حکومت به معاویه مستثنا است و باید بر نظر امام مجتبی علیه السلام مصرف شود».

اموال بلو کشده ایران در سایر کشورهای غربی، بخش عظیمی از سرمایه‌های بین‌المللی ایران در جهان است که باید بر گردانده شود.

ماحه پنجم: «مومنان این است که معاویه عهد کند تمام مردم را از سکنه، شاه عراق و حجاز را و هزاران قبیله که باشند از تقبیل از ارادمان باشند و اهل عراق به سبب کینه‌های گذشته از آن نبینند».

امروز دنیا باید به این باور برسد که تبعیض نژادها و نژادپرستی روشی به سر آمده است.



منبر نمونه‌نمایش روضه

نمونه فیش روضه به مناسبت شهادت امام حسن عسکری

یاسین شیخ زاده



ربیع الاول

یادداشت
فرهنگی
دینی

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَانِي يَا مَعْجِدَ
الْحَشَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْهَادِي الْمُهَنْدِي
وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا سَيِّدَةَ الْجَلَمِ
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَارِجَ الْمَلُوفِينَ
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ الْأَنْبِيَاءِ
الْمُتَّقِينَ
سلام مایه تو و سامرای اطهر تو
سلام مایه رخساره منور تو
سلام بر تو بر خرمت که جبرائیل
چین گذاشته بر آستانه در تو
سلام مایه تو ای عسکری لقب
که خدا

نهاده خیل ملک را امین و عسکر
تو
قسم به عمر کمت ای گل بهشت
دوباره زنده شده یاد عمر مادر تو
سلام مایه دل پاره یار ذات هر دم
سلام اهل سماواتیان به پیکر تو
سلام مایه تو آن گلی که از داغمت
شور گرفته دل او کنار بستر تو
ز بس که روضه به جانت فتاده بود
از زهر
به دست او شده سیراب لعل اطهر
تو
بر اثر زهری که متعدد عباسی به
امام علیه السلام داده بود، ایشان چند روز
بستری بودند و بر اثر زهر، بدن
مبارکشان به شدت می لرزید.

ابوسهل گوید: بر امام حسن
عسکری علیه السلام داخل شدم، نزد آن
حضرت بودم که به خادم خود
امر فرمود آب برایش بیاورد. پس
همین که قح را به دست آن
جناب داد و خواست بیاضام دست
مبارکش را زینود قح به دندان های
ثابای نازنینش خورد، پس قح را
از دست نهاد و فرمود: داخل این
اطاق می شوی. کودکی را به حال
سجده می بینی. او را نزد من بیاور
ابوسهل می گوید: چون آن کودک
به خدمت امام حسن علیه السلام رسید،
سلام کرد بر او نگاه کردم. «و
آذاهو دري اللّون و فی شعره راسه
قطعا، مفلح الانسان» دیدم که
رنگ مبارکش روشنایی و تالو
دارد و موی سرش به هم پیچیده و
مجده است و ما بین دندان هایش
گشاده است.
ابوسهل می گوید: همین که امام
حسن علیه السلام نگاهش به کودک
افتاد، برگریست و فرمود: «یا سید
الی ربی» ای سید الهای بیت خود!
مرا آب بده هفتاس من می روم به
سوی پروردگارم. پس آن آقازاده
سیرایش کرد.
زهر فتاده به پای جگر، مهدی
جان
لرزه افکننده ز پا تا به سرم مهدی

کنند و کشته‌ها را نمی‌توانستند چون
بین بدن ها و سرهای مقدس جایی
نمانده بودند. امام به تنهایی بی آنکه
بنی اسد در این کار همراهی اش کنند،
پیکر مطهر را وارد قبر کرد و به آنان
گفت: همه را من کسی هست که یاری
می کند. چون او را در قبر نهاد، صورت
بر آن رنگهای بریده نهاد.
کسی گل را به چشم تر نبوسید
کسی چون من گل پرپر نبوسید
کسی غیر از من و زینب در آن دشت

به تنهایی تن بی سر نبوسید
...
چو گل در بستر خون دیدم او را
چو برگ یاسمن بوسیدم او را
کل صدبرگ زهرانی کفن بود
خودم در بویا پیچیدم او را
پی نوشت:
۱. جامع الجان: زیارت نامه جن عسکری علیه السلام
۲. سیدالشهواتی
۳. فی، شیخ عباسی: منتهی الامال
۴. سید خراسانی
۵. مطهر: مقتل الحسین ص ۴۸

جان
به لب خشک پدر جرعه ای
برسان
که من از سوز عطش شلومرد
مهدی جان
قیل از آنی که به دل زهر اثر
بگذارد
کشته‌ها صحنه دیوار و درم مهدی
جان
قح آب روان تا به لبم شد نزدیک
عطش اهل حرم زد شررم مهدی
جان
تا در خشید رخ ماه تو یاد آوردم
سر نورانی هجده قمرم مهدی
جان
زینب و یزید و لب خشکیده
و چوب؟
خون قلم چکد از چشم ترم
مهدی جان
به دعای سحر گریه کنان جدم
برسد روز ظهورت پسرم مهدی
جان
چون بدن مطهر امام را کفن
کردند و آماده نماز، زخمی آمد
و جعفر کذاب را دعوت کرد که بر
پرار خود نماز بخواند. چون جعفر
به نماز ایستاد، طفلی گندمگون و
پنجه دموی، گشاده دندانی مانند
پاره ماه بیرون آمد و زدی جعفر را
کشید و گفت: ای عمویس بایست
که من به نماز سزاوار ترم.



منبر معارف

چشمه فیاض

بررسی اجمالی ایمان عبدالملک

سید مهدی رضوی / ملقب: سطوح عالی حوزه علمیه قم

ایمان عبدالملک، جدو اولین سرپرست نبی مکرم اسلام، از جمله مسائلی
است که در مباحث اعتقادی مطرح و شبهاتی در خصوص آن عنوان شده
است.

بر اساس عقیده شیعه اثیری عشی جناب عبدالملک به خدا یگانه ایمان
داشته است. در روایتی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «لَیْسَ
عَبْدُ الْمَلِکِ کَانَ لَیْسَ یُشْفِقُ عَلَیَّ الْأَرْلَامُ وَ لَا یُثْبِتُ الْأَنْشَامُ»؛ عبدالملک هرگز
از چوبه‌های قمار برای تقسیم استفاده نمی کرد و پشه‌ها را نمی پرستید.^۱
ذیل آیه شریفه «و تَقْلِبُ فِی الْإِسْأْدِ» نیز در تفاسیر فریقین وارد شده
است این آیه در بیان این مطلب است که اجدادو پدران نبی مکرم اسلام را
موجدان بودند.^۲

در مقابل ابن تیمیّه و فرقه ضالّه وهابیت بر این عقیده اند که عبدالملک و
اجداد پیامبر مشرک بودند. این تیمیه معتقد است: توسل به دعای او - یعنی
پیامبر اسلام - و شفاعت وی در صورت ایمان به او، قایده می دهد؛ اما اگر به
وی ایمان نداشته باشد (خیر قایده نمی دهد) پس شفاعت شفاعت کنندگان،
کافران و منافقان را در آخرت قایده نمی دهد و به همین جهت رسول خدا از

استغفار برای عموم پدرشان و دیگر کفار منع شدند.^۳
در این مجال بیان شهادت و سوالاتی در خصوص ایمان جناب عبدالملک،
پاسخ و استدلال های موجود از منابع فریقین بیان خواهیم کرد.

۱. جایگاه و شخصیت جناب عبدالملک امام اصلی ایشان
«عاسی» بوده و جهت سپیدی ای که در چهره وادر مویش بوده،
او را «تشیبه» و «تشیبه الحمه» نیز می نامیدند. «ایمان را به دلیل جود
و کرمی که داشت «فیاض» هم نامیده اند. درباره و چه نامگذاری آن
بزرگوار به کتیبه عبدالملک نیز در کتاب شریف بحار الانوار بحث شده
است.^۴

۱. بررسی برخی شبهات

۱.۱. احتجاج بر هفتانه کفر عبدالملک

برخی گفتگوی عبدالملک در برابر ابرهه را که فرمود «تا رب الابل و لهذا
البيت رب بینه»^۵، نقضی در ایمان عبدالملک دانسته اند این سخن را با
سخن قوم موسی مقایسه کرده اند، آنجا که قوم موسی در پاسخ به درخواست

شماره ۱۶
شماره ۱۳۹۱



حسین زمانپور / طلبہ سطوح عالی حوزہ علمیہ



تکریم آثار موحدان در قرآن

بررسی اجمالی ندهای توحیدی در قرآن
های الیاسی / تطبیح سطوح علم حوزه علمیه قم

قرآن کریم کتابی جامع و منمیی برای استدلال است که مورد اتفاق تمامی گروه‌ها و فرقه‌های اسلامی است. کتابی جامع و کامل است زیرا هر آنچه برای هدایت و سعادت بشر مورد نیاز است، در قرآن آمده است. از سر گذشت در کتاب ستمگران و سرکش پیشین، از عواقب هولناک گناه، از انواع پندها و اندرزها، از اسرار خلقت و نظام آفرینش، از احکام و قوانین متقن و خلاصه هر آنچه برای هدایت انسان‌ها لازم می‌نماید، خلوند متعال در همین کتاب عزیز می‌فرماید: «ما هی الا قرآن از هر نوع متلی ملوح کریم، شاید متذکر شوند و از خطا به صراط مستقیم بازگردند».

از سوی دیگر قرآن منبع درو اتفاق همه فرقه‌های اسلامی برای استدلال است. اگر چه سنت نیز کم و بیش در میان گروه‌ها و فرقه‌های مسلمانان مشترک است، قرآن تنها منبع مشترک و بدون شک و شبهه میان تمامی فرقه‌ها یا گروه‌ها و اندیشه‌ها است؛ بنابراین استدلال به آیات قرآن کریم برای روشن ساختن حقیقت و ردود اینها و موارد آنها، نایز، تنها راه احتجاج و تمسک به حق به نظر می‌رسد.

از جمله آثارهای گروه‌های تندرو و تکفیری به مسلمانان راستین، این است که آنان تکریم آثار موحدان و اولیای الهی از احترام به آنها را خرافه می‌دانند. بر زنگشت مقام حافظان حقیقی توحید و سالکان طریق و سیدان توحید و توحید پرستان، همواره کمر به محو این آثار بسته‌اند. این مجال مناسب است که حرم خاتو خدا و مکه مکرمه توسط یزید بن معاویه نگاهش شده است - صرف نظر از هر گونه بیاحتیاطی تاریخی و اسلامی فقط به چند نمونه قرآنی اشاره می‌کنیم و بیانگر این حقیقت آشکار است که خدای تعالی به تنها اولیای الهی و موحدان امور در تکریم قرآن داده، بلکه آثار ایشان را نیز محترم شمرده است، به تبع آن، مؤمنان نیز باید به این آثار احترام بگذارند و در تعظیم آنها کوشند.

مقام ابراهیم: در مکه و در اطراف مسجد الحرام، نشانه‌های روشن الهی چشم‌نواز است که هر کدام آثار خدای ربی و توحید است. مانند منزه، صفا، مهر، کن، حطیم، حجر الاسود و حجر اسماعیل و این از معجزه‌های الهی است که این آثار از دست پلید دشمنان توحید محفوظ مانده است.

در قرآن کریم آمده است: «فیه آیتات بیّنات مقام ابراهیم...» از جمله آیات و نشانه‌های خاندن روی زمین مقام ابراهیم است: «سنگی که به مقدار یک ذراع در یک رکع است و از پای حضرت ابراهیم...» در آن است.

این عباسی چون یزید ابراهیم... روی آن سنگ می‌ایستاد به مقام ابراهیم مشهور شده است. همچنین از او نقل شده است که چون ابراهیم روی آن سنگ ایستاد، دوی او در آن فرو رفت.

قرآن کریم در جای دیگر می‌فرماید: «و اتخذوا من مقام ابراهیم مضلی» از مقام ابراهیم محلی برای نماز

زنان محروم کرد»^{۱۴}؛
۴. بشارت کرده بودند: اهل بیت اعتقاد دارند تنها عیاشیه در هنگام ازدواج با رسول خدا با کرمه بود و این مومنین خدیجه قبل از ازدواج با رسول الله دیوار ازدواج کردند و نام شوهرش عتیق بن عاتقه مخزومی و ابی‌هاله بن المندر اسدی بود و اموال حضرت، بعد از فوت شوهرش به او ورت رسید.

شواهد این قول
۱. حضرت خدیجه هنگام ازدواج با رسول خاتم، فرزندی به نام‌های زینب و رقیه به منزل پیامبر آوردند.
۲. بعد است در عرب کسی با این جایگاه مالی تا این سن ازدواج نکند.
۳. در مقابل، مورخان و بزرگان زیادی با این قول مخالف‌اند و معتقدند حضرت خدیجه در هنگام ازدواج غذا بروده است. ابوالقاسم کوفی، احمد بلادری، سعید مرتضی، شیخ طوسی، علامه مجلسی، علامه سید جعفر مرتضی، ابن شهر آشوب مازندرانی، ابن خاتم عامل و... از جمله این افرادند.^{۱۵}

شواهدی که یون حضرت خدیجه
۱. مورخان نقل کرده‌اند ابوطالب در پیشگاه ازدواج به حضرت رسول، حضرت خدیجه را با کرمه خطاب می‌کرد.
۲. از زندانی که در تاریخ به حضرت خدیجه نسبت داده‌اند (زینب و رقیه) فرزندان خواهران او بودند.

۳. مورخان اسلام اجماع دارند بسیاری از اشراف و بزرگان از ایشان خواستگاری کردند و ایشان جواب رد دادند. حال چطور امکان دارد ایشان با یک عروس معمولی ازدواج کنند.

تفصیل اختصاصی و بی‌شمار
۱. از قول نده این ازدواج با رسول الله (ص) و اولادین زنی است که به حضرت رسول ایمان آورد. بسیاری از مصادر روایی شیعه و سنی این مطلب را نقل کرده‌اند.^{۱۶}

۲. حضرت خدیجه اسلام الله (علیها) ثروت تمام خود را در خدا داد. بسیاری از مفسران معتقدند مال خدیجه باعث غای پیامبر شده است.^{۱۷}
۳. داشت فرزندان در وایتی مشهور، عیاشیه از حضرت رسول نقل می‌کند که حالتی فرمود: «خداوند از او به من فرزند داد. در حالی که از دیگر

قرآن فضیلت انسان‌ها را در این چیزها نام نهاده و در آن فائزانی بیشتری دارد که ما نیز به شواهد این قول خود خواهیم پرداخت.

الف ۲۸ سال
نویسنده کتاب شذرات الذهب می‌گوید: «رجح کیسرون آنها ابنه ثمان و عشرين، بسیاری از مورخان ۲۸ سال را برای حضرت ترجیح داده‌اند». حاکم

نیشابوری هم فقط این قول را برای ابن اسحق سیرونی پس‌مشتور نقل می‌کند.^{۱۸}

این عساکر ذمبی و اولی به نقل از ابن عباس و ابن حماد، از دیگر افرادی اند که سن حضرت در هنگام ازدواج با رسول خاتم را ۲۸ نقل کرده‌اند.

شواهد این قول
۱. تصریح مورخان و علما بر شواهدی قول به چهل سالگی حضرت خدیجه.^{۱۹}
۲. اگر ایشان در چهل سالگی با پیامبر ازدواج کرده باشند، با سن ایشان در هنگام وفات ۶۵ بوده باشد در حالی که سن ایشان در هنگام وفات به شصت هم نرسیده.
۳. با توجه به تعداد فرزندی که ایشان از رسول خدا به دنیا آوردند، خصوصاً تولد حضرت فاطمه (سلام الله علیها) که در سال پنجم بعثت اتفاق افتاد، سن ایشان در چهل سالگی در هنگام ازدواج کمتر از چهل بوده باشد.

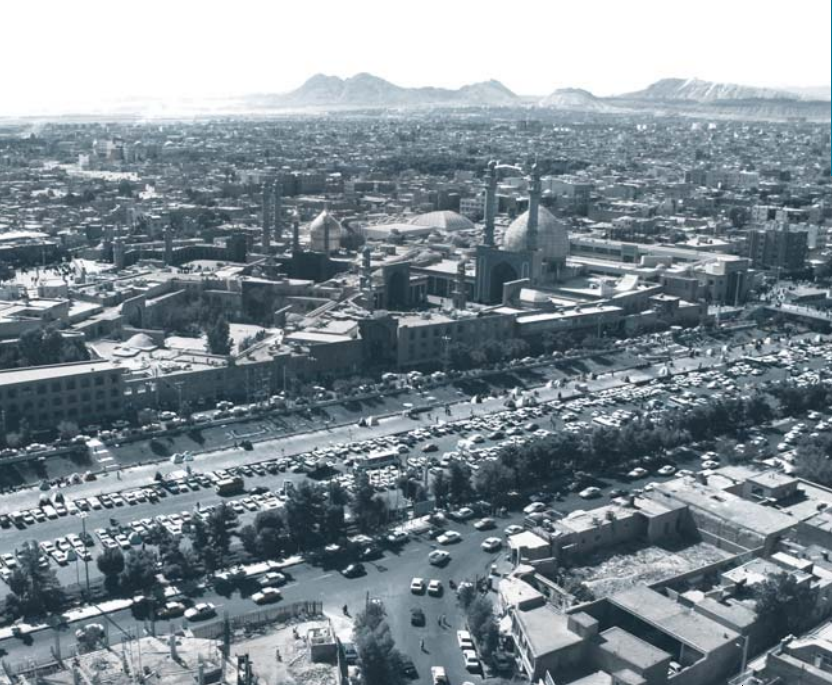
۴. رقم چهل که در برخی از اسناد تاریخی ذکر شده است، نشان دهنده کامل بودن ایشان است نه سن ایشان. این نوع سخن‌گویی در کلام عرب‌ها مرسوم بوده است.^{۲۰}

ب چهل سال
این قول نزد اهل سنت شهرت فراوانی دارد و در بین شیعیان هم قائلان زیادی دارد.

شواهد این قول
۱. نقل از قول مورخان و علما مبنی بر چهل سال بودن حضرت خدیجه هنگام ازدواج با رسول خاتم.^{۲۱}

۲. حضرت خدیجه قریشی بودند؛ بنابراین تولد حضرت فاطمه در شصت سالگی ایشان امری عادی نیست.

۳. حضرت خدیجه



انتخاب کنید». «مشهور مفسران «هصلی» را امکان نماز دانسته‌اند اما برخی نیز آن را مکانی برای دعا و عبادت گرفته‌اند. منظور از آن هر چه باشد، مهم این است که خواندن اثریابی نبی خود را که مظهر توحید و مبارز با شرک است، مورد تکریم و احترام قرار داده است و به حاجیان دستور داده است جایگاه ابراهیم علیه السلام را برای خود نمازگاه قرار دهند. هم‌اکنون نیز این مقام در مسجد الحرام مورد احترام تمام فرقه‌های اسلامی است. بدیهی است جایگاه ابراهیم علیه السلام بر اثر لیس بدن آن حضرت متبرک شده است و خواندن متعال از حجاج می‌خواهد که در این مکان مبارک و مقدس نماز بخوانند. وقتی یک سنگ که محل لمس بدن یکی از انبیای الهی بوده، این گونه نماد قرار می‌گیرد و مورد تکریم واقع می‌شود، آیا قبول انبیا و ائمه چنین جایگاهی ندارند؟

❖ **حجر اسماعیل علیه السلام**: ز دیگر مکان‌های بسیار مقدس برای تمام مسلمانان به سفارش قرآن، حجر حضرت اسماعیل علیه السلام است. قرآن کریم می‌فرماید: «لَمْ يَنْفُصُوا عَنْهُ وَلِيُوَفِّا نُذُورَهُمْ وَلِيُوَفِّوا لَهُمُ الْبَيْتَ الْحَرَامَ»؛ پس باید آلودگی‌هایشان را برطرف سازند و به نذرهای خود وفا کنند و بر گرد خانه گرمی کعبه طواف کنند». مسلمانان به اتفاق نظر، حجر اسماعیل علیه السلام را جزو مطاف می‌دانند؛ بنابراین برای طواف دور خانه خدا باید قبر حضرت اسماعیل را نیز داخل در طواف کنیم و اگر کسی حجر را از طواف خارج کند، طوافش باطل است. به راستی چرا باید حضرت اسماعیل علیه السلام به چنین مقامی دست یابد که قبرش در مطاف مسلمانان باشد؟ بدون شک، حمایت خلوند از یک شخص و اعطای پاداشی چنین بزرگ به او به جهت حسب و نسب شخص نیست، بلکه به جهت ایمان و عمل است. آن هم ایمان راستین مردان راه توحید و استواری و استقامت ایشان بر عهد و پیمان خویش با مأمود و وقتی ابراهیم علیه السلام در جریان امتحان خویش قرار گرفت، آن را با فرزندش در میان نهاد و آنچه از اسماعیل علیه السلام شنید، جز زبان اطاعت در مقام صابران نبود.

❖ **بسی صفا و مروه علیهما السلام**: صفا و مروه نام دو نقطه‌ای می‌کنند آن دو نقطه عبارت است از که حاجیان بین آن دو نقطه سعی می‌کنند و آن دو نقطه عبارت است از دو کوه که فاصله میان آن دو ۳۴ متر است. در قرآن کریم آمده است: «صفا و مروه از شمار آن نشانه‌های اخلاص است و این برای کسانی که حج خانه خدا و با عمره انجام می‌دهند مأموری نیست که بر آن دو طواف کنند و سعی صفا و مروه انجام دهند و آن کسی که فرمان خدا را در انجام کارهای نیک اطاعت کند، خلوند از برابر عمل او اشکر گزار و از افعال وی آگاه است».

از جمله اعمال عبادی میان این دو کوه سعی است. مخراری می‌نویسد: «خلوند صفا و مروه از شمار قرار داد زیرا آن دوازدها حجر و اسماعیل علیهما السلام و امتحان و پلای است که بر آن دو نفر گذشت. به همین جهت استدلال می‌کند که بر پلار چاره‌ای جز صبر نیست و نتیجه‌ای رسیدن به بزرگ‌ترین درجات و بالاترین مقامات است».

سعی و رهرو همان صفا و مروه که از اعمال حج مسلمانان است، یادآور هر چه ابراهیم برای به دست آوردن آب و سیراب کردن فرزندش اسماعیل علیه السلام است. این سعی نیز نمادی است که خلوند متعال برای مسلمانان قرار داد تا یادآور صبر و تحمل بالای هسرو و فرزند ابراهیم علیهما السلام باشد.

❖ **تکریم یا تخریب علیهما السلام**: امروزه با لاف‌ها و نمونه‌هایی از نمادهایی بود که خلوند آثار و اشیای موحدان در کلام خویش بیان کرده است. از طرف دیگر، دشمنان توحید و خلیفان حق همواره در طول تاریخ سعی بر جهت تخریب این نمادها و از بین بردن آثار داشته‌اند. هیچ‌گاه هم به پاس اهل قبل برای تخریب نماد و حیدر شکر کشی کرد و سیاه بنی‌امیه به دستور یزید کعبه را آیه متبرک نیست، بادهان باشد که سبزی با این آثار، سبزی با نشانه‌های خدایت است. خلوند تکریم خلوند، مال‌دانه و صاحبان است.

بدیهی است جایگاه ابراهیم علیه السلام بر اثر لیس بدن آن حضرت متبرک شده است و به حاجیان دستور داده است جایگاه ابراهیم علیه السلام را برای خود نمازگاه قرار دهند. هم‌اکنون نیز این مقام در مسجد الحرام مورد احترام تمام فرقه‌های اسلامی است. بدیهی است جایگاه ابراهیم علیه السلام بر اثر لیس بدن آن حضرت متبرک شده است و خواندن متعال از حجاج می‌خواهد که در این مکان مبارک و مقدس نماز بخوانند. وقتی یک سنگ که محل لمس بدن یکی از انبیای الهی بوده، این گونه نماد قرار می‌گیرد و مورد تکریم واقع می‌شود، آیا قبول انبیا و ائمه چنین جایگاهی ندارند؟

- پی نوشت:
۱. پی ۲۷.
 ۲. آل عمران ۹۷.
 ۳. تبارک و تعالی، که مکه.
 ۴. تبارک و تعالی (۱۳۰۲).
 ۵. تبارک و تعالی، تبارک و تعالی.
 ۶. الجزیری، عیالرحمن و.
 ۷. پی ۵۸.
 ۸. رازی، فخر الدین «مفاتیح القیوم» بیروت (تاریخ الحداثه العربی) (۱۳۲۰) ج ۲، ص ۱۲۵.
 ۹. آلین (علیه السلام) (۱۲۰۱).
 ۱۰. کتاب حج، ص ۲۸۵.
 ۱۱. تبارک و تعالی، تبارک و تعالی.
 ۱۲. تبارک و تعالی، تبارک و تعالی.
 ۱۳. تبارک و تعالی، تبارک و تعالی.
 ۱۴. تبارک و تعالی، تبارک و تعالی.
 ۱۵. تبارک و تعالی، تبارک و تعالی.
 ۱۶. تبارک و تعالی، تبارک و تعالی.
 ۱۷. تبارک و تعالی، تبارک و تعالی.
 ۱۸. تبارک و تعالی، تبارک و تعالی.
 ۱۹. تبارک و تعالی، تبارک و تعالی.
 ۲۰. تبارک و تعالی، تبارک و تعالی.

منبر علیه السلام معارف

حرم اهل بیت و حریم تشیع

به بهانه ورود و ذکر به اهل بیت به شهر قم ۲۳ ربیع الاول
محمد محسن طبسی، اندرس و پژوهشگر تاریخ و کلام شیعه

❖ **سیر اقامت نامی است که یادآور واکنش چون حرم اهل بیت، حضرت فاطمه معصومه، کائنات تشیع، علوم و حدیثان شیعه و نخستین حوزه علمیه جهان تشیع است.** روایات فراوانی که در مدح و ستایش قم و اهل آن از معصومان (علیهم السلام) در کتاب‌های روایی معتبر و ارزشمند و سابق درخشان تاریخی شهر قم و تلاش‌های مؤثر علمای قم در نشر معارف اهل بیت (علیهم السلام) شهر قم را یک اسو و یک منطقه با شرایط جغرافیایی خاص خارج کرده و به یک مکتب و مدرسه فکری - معنوی تبدیل کرده است.

❖ **سابقه تاریخی قم** شهر قم معلوم نیست که از چه هنگامی به صورت شهر در آمده است ولی آنچه مسلم است این‌که این شهر قرن‌ها پیش از اسلام وجود داشته است. حتی مورخان قدیم بعضی از فرمانروایانی را که در دوران پادشاهی باستانی قبل از ظهور اسلام در قم حکومت کرده‌اند، نام برده‌اند.

❖ **تشیع نیز پس از پذیرش دین اسلام در میان مردم**

۱۷
شماره ۱۶
دوره ۵۴
۱۳۹۲

حسین فروغی (طلبہ سطوح عالی حوزہ علمیہ قم)

• عمل صادقانه و بیان نافذ می گرفتند

۲۰

شیخ زین
سرخای باهمت
و با استقامت
ناملاعات و تنگ
به تعمیر و تو
مبارک و مسج
آن پر داخت.
العظمیٰ برو چر
فرمود: «شما با
حق علیکم
رسول و اهل بیت
السلام

✦ اگرچه برخی از مفسران لباس را کلاه یا درون و پابان یا پندهای دیگری گرفته‌اند اما متواتر است که از معنای کلاه برای آن نیز صرف نظر کنند. پیامبر به عنوان یک پیر و پادشاه در دست راست به پهلر خود گفت و مسامحت داشته باشد و صفاتی و مسئله را آن قدر اهمیت داده که در اولین دستورات به آن اشاره شده است.

✦ می‌فرماید: «خلوند دشمن می‌دارد کسی را که مردم از همتیشی او به سبب بوی بدش احتراز می‌کنند».^{۱۰} همچنین می‌فرمود: «هر کس موی خود را بلند می‌کند باید به خوبی به آن رسیدگی کند تا آن کوهانی که کوهانی را بلندی ریش و شارب، خدمت نمی‌دارد اما بنابر سنت، کوهان بودن شارب به اندازه‌ای است که خط لب معلوم شود^{۱۱} و مکرره است که هنگام خوردن و یا نوشیدن با غذا برخورد کند همچنین حقال ریش را به اندازه‌ای که بر آن ریش صلق کنند و حداکثر آن را بقیضه دست داشته‌اند^{۱۲} دقت نظر و مراقبت در نظافت و آراستگی، پس از پیامبر در سیره عملی امامان معصوم نیز به خوبی دیده می‌شود. از امام صادق نقل شده است که فرمود: «خلوند دوست دارد وقتی به بدنای نعمتی داد اثر آن را نعمت‌اندرو می‌مشاهده کند به این صورت که لباسش را تمیز و خوش را خوشبو کند». «همچنین از امام رضا نقل شده است که فرمود: «سزاوار نیست مرد در طول روز عطر نزند. اگر نمی‌تواند

یک روز در میان و اگر نمی‌تواند هر جمعه، این کار را انجام دهد و تا می‌تواند ترک نکند».^{۱۳} در ادامه نمونه‌هایی از سیره عملی امامان معصوم و قله‌های گران قدر را پیرامون آراستگی و نظافت باهم می‌خوانیم.

✦ **اسام باقر (ع)**: خدمت امامز مانشان رسیده بود. اما ابی‌المعجب دید که حضرت لباس نرم و لطیفی به تن کرده است. لطافت لباس و رنگین بودن آن او را به فکر فرو برد. حضرت از علت تعجبش پرسید. حکم گفت: نمی‌خواستم حرف ناراحت کننده‌ای بزنم، اما این لباس هالایسی است که معمولاً جوان‌ها می‌پوشند. حضرت آیه ۲۲ سوره اعراف را خواند: «چگونه زورهایی را که خدا برای نگذاشتن پدید آورده و روزی‌های پاکیزه را چه کسی حرام گردانده؟» و بعد فرمود: «اینجا خانه همرسن من است و من خود را برای او ارست کرده‌ام».^{۱۴}

✦ **اسام صلیق (ع)**: اسحق سفیان ثوری بود. ادعای زهد و گوشه‌گیری از دنیا داشت. امام را دید در لباس سفیدی به لطافت پرده‌ناک میان سفید و زرد تخم مرغ. به امام اعتراض کرد که چرا لباسی این چنین زینت‌یابوشیده است، در حالی که فرزندتان رسول خدا باید در پوشش به اوقات گذشتن حضرت در جوشش فرمود: «شاید توبان است که گمان کرده‌ای وضع ساده و فقیرانه رسول خدا و صحابه آن حضرت در زمان ایشان، تکلیف و وظیفه برای همه مسلمان تا روز قیامت است و همه وظیفه دارند همواره در فقر زندگی کنند. در حالی که رسول خدا در زندگی می‌کرد که فقر وسختی و تنگدستی بر آن مستولی عمومی بود و عموم مردم در داشتن لوازم اولیه زندگی محروم بودند. وضع خاص زندگی رسول اکرم و صحابه آن حضرت مربوط به وضع عمومی آن روزگار بود. در عصر و روزگاری که وسایل زندگی فراهم نبود و شرایط پرهیز برداری از موهبت‌های الهی موجود گشت، سزاوارترین مردم برای پرهیز بردن از آن نعمت‌های نیکان و صالحان اند و نه افساق و بیدکاران، مسلمانان و نه کافران».^{۱۵}

✦ **ابن‌الله قاینی (ع)**: یکی از مدرسین نجف بود. جمع زیادی پای درسش حاضر می‌شدند. یکی از دوستانش را واسطه کرد

۱۰. تفسیر المیزان ج ۲، ص ۶۹.
۱۱. تفسیر نمونه ج ۱۵، ص ۲۰.
۱۲. منتهی ج ۲، ص ۴۲۲.
۱۳. غلام‌طاهر بن سنان، ص ۱۷۷.
۱۴. مساند الشیعه، ص ۱۰۱.
۱۵. منتهی ج ۱، ص ۲۱۵.
۱۶. همان، ص ۱۸۱.
۱۷. بحار الانوار ج ۱۰، ص ۹۹.
۱۸. اصول کافی ج ۶، ص ۴۸۵.
۱۹. همان، ص ۴۸۷.
۲۰. بحار الانوار ج ۱۲، ص ۱۱۲.
۲۱. تفسیر طبرسی، ص ۲۱۵.
۲۲. عین‌الکرام ج ۱، ص ۲۸۰.
۲۳. اصول کافی ج ۵، ص ۶۵.
۲۴. مساجدها، آیت الله حسینی همدانی، «مجله خود، شماره ۱۷، ص ۱۵۵.



زندگی باب و اعوان و جانشینان وی، قصه‌ای پر رنج و دردآور برای ملت ایران به همراه داشت که سنگ بنای انحرافی بزرگ که تها در جهان اسلام، بلکه در میان ادیان عالم، دست مطالعه و بررسی مملکت در آن ایستاده، هر چند نتیجه‌ای جز رنج بیشتر در شمعان نخواهد داشت اما این مسئله را معلوم آن خواهد کرد که امیال نفسانی هر فرد اگر مجال جولان یابد، چه اثرات مخربی را می‌تواند بر زندگی آیندگان بگذارد. داستان باب و انصار بی‌خرد یا غرض‌ورز وی، هر چند در ابتدا به کمیک و طنز می‌ماند اما بطور تاریخی، به‌وضوح نشان داد که این طنز، چقدر تلخ بر جان دین ضربه زده است. داستان باب از آن جهت قابل تأمل است که اهل باطل سعی کردند با کمک «گرایش به حق» برای خود کلاهی سازند و از این مسیر، مردمان ساده‌دل اما دین‌ورز را فریبند. از همین رو فردی یا آن سابقه‌چندان روشن تا آمد ایادی خشدین، توانست سوار بر موج شکل گرفته از فرقه شیخیه، چنین ظهور و گشتی و زار مقلان دین پدید آورد. ادعای باب امام زمان بودن تا ادعای مهدویت و نبوت و سرانجام خدایی، برآه را بر کشتی باز کرد که زندگی چنین راه را دست مایه غریز صخیف جوانی بود و حتی بر بدن تنگ فرقه ضاله خود هم رحم نکردند و آن را به انحطاط کشاندند. زعمای این فرقه هر چه کوشیدند تا طرح عقاید برزق و برق مدرن غربی، در میان ادیان مختلف، اعتباری فراهم کنند ولی هیچ کار نتوانستند. حضور به شرمه قلب پندیده این فرقه را، در بین رژیم سفاک صهیونیست توجیه کنند. هر چند که مطالعه ساده تاریخی، می‌تواند ماهیت این گروه را افشا کند. اما استفاده فعال آنان از رسانه‌های مختلف گاهی تردیداتی را در دل مخاطب ایجاد می‌کند. از این رو سعی کردیم در راستای رسالت خود، سرخشی از جزئیات این فرقه رنگارنگ ارائه دهیم. در پس این آگاهی، مخاطب خود به قضاوت بنشیند.

چه کسی پاسخ می دهد؟

سید محسن باقی زاده دانش آموخته عالی حوزه

فرقه ضاهیه بیهائیت در تاریخ کوتاه ایران خود همیشه سعی کرده است تا میان ادیان دیگر جهان، خود را به عنوان یک دین جایز ندانند. همین روزی زمانی که فرقه منحرف تاملش خود را معطوف به این کرده اند که با ایجاد ملغمه ای با عقاید و باورهای مختلف ادیان گوناگون و نیز برخی تفکرات مغرب زمین، به این مهم دست یازند مسئله ای که در این میان مطرح می شود، شهوات و اشکالات فراوانی است که به باورهای بهائی وارد است. در این مجال کوتاه سعی کردیم به برخی از ایرادات اساسی اشاره و از پیروان چشم و گوش بسته آنان طلب پاسخ کنیم. هر چند که به یاد این آرزو را خود به کار بروریم!

جنابا دعا

ایسا می داند علی محمد باب در سال ۱۲۶۰ ق ادعای کربت (مفسر قرآن) کرد و وی در سال بعد ۱۲۶۱ ق ادعای بایست (باب از تباط با امام زمان ع) کرد سپس در سال ۱۲۶۲ ق ادعای مهدویت کرد در سال ۱۲۶۴ ق با ادعای ربوبیت، پروردگار عالم شد!

بعد از ۱۲۶۵ ق (ادعای الوهیت کرد) دست از هر خم در سال ۱۲۶۶ ق از تمامی دعاوی خویش توبه کرد، البته به زبان عبدالحسین آیتی، سست شخصی و تنذیب از شخصه اصلی علی محمد باب بود است!

احکام زلال!

نسخ دینیات خاتم انبیاء ادعای بر طمع طراقی است که این فرقه ضاهیه انانیت کتب سابقه را در برابر این شاید خواندن برخی از احکام مرقی ایشان، خالی از لطف نباشد.

«لاترکین البقر و لاتحملن علیه من شیئی» این آیه تمام بالله و یااته مؤمنون و لاتشرن لبن الحیم» البته با اشاره طریقی به این نکات داشته اند چرا که قبل از این مردم از کاه سواری می گرفتند و خر می خوردند و هیچ پیامبری نبوده که ایشان را از این مهم منع کند و مستجاب بر آیه گاه که مردم به این احکام بوده اند. «و لاتضرن البیضه علی شیئی» بیضیع مافیقه قبل از بطیخ، خدا ما قد جعل الله الیه رزق نقطه الاولی فی ايام القیامه من عند الملک تشرکون: [وستان] آخر مرغ از قبل از آنکه بهیزد، به

جایی نزدیک آنجا که در و تش است صایع می شود (اشاره به شکستن) و خداوند تخم مرغ را روزی نقطه اولی (باب از) داده است، شاید که سپاسگزار باشید» و این خیلی مهم است که بداند تخم مرغ شکستن است!

«چهی عتکم فی البیان ان تملکن فوق عدد الواحد من کتاب و ان تملکن فلیز تمکن تسعه عشر مثقالا من ذهب حذافی کتاب الله الملکم تتقون... ثم العاشر اذا استطعتم کل آثار النقطه تملکون و لوکان چایا». باب در کتاب بیان اشاره فرموده اند که پیروان نباید بیشتر از نوزدهم کتاب داشته باشند و اگر بیشتر داشتند نوزده مثقال طلا به عنوان جریمه بدهند. فرای دیگری می فرمایند که البته همه آثار ایشان را می توانند تملک کنند و لو اینکه چای باشد! البته حضرت ایشان اشاره دارند که ملکم تتقون!

از دیاد نسل هم است!

«اگر کسی توانست همسر خود را باردار کند، آن ده که از دیگری باردار شود، مشروط به آنکه شخص ثالث ایمان به باب داشته باشد». این نسخه را حضرت باب برای پیروان خود تجویز کرده است تا شاید خللی در تناسل پیروان پدید آید. البته بعد از چاشنای وی از این هم بار را فراتر نهاده اند عباس افندی (عبدالله معتمد است: «مامی که بهائون ضعیف در قلمت نهاده اند نزدیکان از زبان حرام نمی باشد، تا اینکه بهائیت تقویت شود و تعدادشان فزونی پیدا کند» این است نسخه احکام و شریعت اسلام به سبب ظهور دیانت مرقی بهائیت.

استیفا حق!

جناب مهلا الله در کتاب اقدس خود بیان حکم عمل شنید و اما حجات کشیدند: «ان استحقاق نکر حکم العلمان اتقوا ان حمن با ما لا امکان» و جناب عبدالله هم بیان کرده که «عدم ذکر الواج الهی انفس جواز است بر امانتی، از نصوص استنباط می شود: «بنا بر این اگر حکمی در میان الواج الهی که توسط مهلا الله از خداوند نشان داده اند عدم کرد می توان نفس جواز را استنباط کرد. البته گفته شد که حضرت ایشان این گونه امور را به غیبت العمل و نفوس مؤمنین ارجاع داده اند اما با این حال بهائیان می توانند از این حق مسلم که موردی به

بهاء الله هم نیست است! بعد از آنکه در و تش است صایع می شود (اشاره به شکستن) و خداوند تخم مرغ را روزی نقطه اولی (باب از) داده است، شاید که سپاسگزار باشید» و این خیلی مهم است که بداند تخم مرغ شکستن است!

«چهی عتکم فی البیان ان تملکن فوق عدد الواحد من کتاب و ان تملکن فلیز تمکن تسعه عشر مثقالا من ذهب حذافی کتاب الله الملکم تتقون... ثم العاشر اذا استطعتم کل آثار النقطه تملکون و لوکان چایا». باب در کتاب بیان اشاره فرموده اند که پیروان نباید بیشتر از نوزدهم کتاب داشته باشند و اگر بیشتر داشتند نوزده مثقال طلا به عنوان جریمه بدهند. فرای دیگری می فرمایند که البته همه آثار ایشان را می توانند تملک کنند و لو اینکه چای باشد! البته حضرت ایشان اشاره دارند که ملکم تتقون!

از دیاد نسل هم است!

«اگر کسی توانست همسر خود را باردار کند، آن ده که از دیگری باردار شود، مشروط به آنکه شخص ثالث ایمان به باب داشته باشد». این نسخه را حضرت باب برای پیروان خود تجویز کرده است تا شاید خللی در تناسل پیروان پدید آید. البته بعد از چاشنای وی از این هم بار را فراتر نهاده اند عباس افندی (عبدالله معتمد است: «مامی که بهائون ضعیف در قلمت نهاده اند نزدیکان از زبان حرام نمی باشد، تا اینکه بهائیت تقویت شود و تعدادشان فزونی پیدا کند» این است نسخه احکام و شریعت اسلام به سبب ظهور دیانت مرقی بهائیت.

استیفا حق!

جناب مهلا الله در کتاب اقدس خود بیان حکم عمل شنید و اما حجات کشیدند: «ان استحقاق نکر حکم العلمان اتقوا ان حمن با ما لا امکان» و جناب عبدالله هم بیان کرده که «عدم ذکر الواج الهی انفس جواز است بر امانتی، از نصوص استنباط می شود: «بنا بر این اگر حکمی در میان الواج الهی که توسط مهلا الله از خداوند نشان داده اند عدم کرد می توان نفس جواز را استنباط کرد. البته گفته شد که حضرت ایشان این گونه امور را به غیبت العمل و نفوس مؤمنین ارجاع داده اند اما با این حال بهائیان می توانند از این حق مسلم که موردی به

- بی نوشت: ۱. محمد علی باب، بیان عربی باب خاس بالعشر، ص ۴۹. ۲. همان، ص ۴۹. ۳. محمد علی باب، بیان فارسی باب الخاس بالعشر من الواجد القلبن، ص ۱۸. ۴. همان، و ظهور الحقیقه بیروت: رافعت بالله العری (۱۴۰۳ ق). ۵. کتاب صیغه، ص ۱۰. ۶. عبدالله، مکتاب، ص ۱۸۹. ۷. محمد علی باب، بیان فارسی باب الخاس بالعشر من الواجد القلبن، ص ۱۸. ۸. نوری، حبیبی، کتاب صیغه، ص ۱۸. ۹. افندی، عباس، خطبات، ص ۱۱۹. ۱۰. جورت، ص ۱۲.



بخش اول

بهائیت ملغمه ای از تناقضات گوناگون

مباحث مربوط به بهائیت، ما را بر آن داشت تا ساعاتی را محضر استاد سطح عالی حوزه علمیه قم به ادب پیشینیم. حجت الاسلام والمسلمین علی رضا روزبهانی پرورجی، مدیر اداره فرق معاونت تبلیغ، مدرس دانشگاه قم و دانشگاه آزاد شعب تهران، اصفهان، شیراز و رشت است که صاحب چندین تألیف در حوزه فرق ادیان خصوصاً بهائیت می باشد. محاسبه پیش رو پیش اول سخنان استاد است که ان شاء الله در شماره بعد، بخش دوم را ارائه خواهیم داد.



سید علی رضا هاشمی از سخنانی دانش آموخته عالی حوزه

شرقی، فقط ادیان غیر ابراهیمی، نیست و مسیحیت، اسلام و این هایی مثل زرتشت و سبک که ویژگی های مثل احکام، اعتقادات، رویکردهای عملی و ایدئولوژیک را دارند را شامل می شود. عباس افندی فهمید بهائیت در دنیا غرب کالای قابل عرضه ای نیست پس آن را به پسرش عباس افندی، اندیش پدیری اش که یک این شرقی بود را به سمت یکی از تفکرات رایج در دنیای غرب در دالبته مقصود از این های

از ابتدا پیشینه ای از چگونگی پدید آمدن این پدیده سوم بیان بفرمایید. این موضوعات اعتقادی یا مسائل اجتماعی است که حبیبی نوری بر اساس نیازها و دیدگاه های سفارش دهندگان بهائیت مطرح کرد. بعدها پسرش عباس افندی، اندیش پدیری اش که یک این شرقی بود را به سمت یکی از تفکرات رایج در دنیای غرب در دالبته مقصود از این های

عالم انسانی، تجر حقیقت، تساوی حقوق زن و مرد و... همه به لایر ایسم، فمینیسم و حتی مکتب اشتراکی مثل سوسیالیسم و مارکسیسم با تعدیل همیشه اشاره دارد. در بحث بهائیت نکته ای که بسیار اهمیت دارد، ماهیت فرقه ای بهائیت است که چاشنی بین ما و بهائی ها است. ما به آنها می گوئیم فرقه فاله بهائیت، بهائی ها به خود بهائیان می گویند دیانت



▲ عباس افندی عبداله‌آبادی و ابرهم دوم فرقه‌پهانیات

نوری شروع می‌شود، هر چند فکر می‌کرد در ذهن مردان به گونه‌ای است که مرید بهائیت است. اما بهائیت از حسینی نوری شروع می‌شود. در واقع بهائیت از ۱۵۰ سال پیش شروع شده و تقریباً بیست سال تفاوت سنی بین بهائیت و بابیت هست. بهائیت با حسینی نوری کارش را شروع می‌کند با عباس افندی و شوقی افندی ادامه می‌دهد. شوقی افندی را برهم دوم، بهائیت را به سمت یک ساختار سازمانی منظم و منسجم برد و ساختار قدرت در آن را به شکل یک هرم درآورد که همان موفقه دوم است. این ساختار هم می‌قدرت توانست بعد از شوقی افندی زمانی که فرقه از شهری واحد و اصل توارثی به اصلاح خودشان محروم شد، بهائیت را سرنگین دارد و شش سال بعد از مرگ شوقی اولین بیت العدل شکل بگیرد. بهائیت سازمانی است که یک سر کرده هوشمند دارد که هر چند دشمن ما هست باشد! اما نمی‌شود آن را انکار کنیم. چهره‌های ناموفق جلی هوشمند در تاریخ زیاد هستند که بهترین تعمیر برای شان همان هوش سیاه است. نمونه یکی از آنها فرقه ضاله بهائیت است که هوشمندانه فرقه را مدیریت می‌کنند. این سر کرده هوشمند توسته تابه امروزه فرقه را مدیریت کنند. موفقه سوم که مهم‌ترین و اصلی ترین موفقه است، بحث نصب نرماغز افندی است که

همان شستوشوی مغزی است. این نصب نرماغز افندی که مردان به گونه‌ای است که مرید قدرت اندیشمندی را فقط در آن نرماغز می‌تواند ارسا کند. مثل یک نرماغز قابل پی‌دی اف که فقط قادر است فایل‌های پی‌دی اف را بخواند و فایل‌های دیگری مثل ورد را نمی‌تواند بخواند. فردی که درون فرقه قرار می‌گیرد، این نصب نرماغز افندی که در دشتش به گونه‌ای است که فقط فایل‌های را از سبوی فرقه به او ارائه می‌شود را قادر است بخواند و به آن عکس العمل نشان دهد و فایل‌های دیگر را نمی‌خواند. فرقه ضاله بهائیت در تمام لحظات و تابه‌ها و تحت هیچ شرایطی، آحاد بهائیان را از حفظی رها نمی‌کند. هیچ گروه دینی، شبه دینی، مذهبی، و فرقه‌ای را نمی‌توان یافت که مثل بهائیت فرد تمام لحظاتی با فرقه گره خورده باشد. برای نمونه شما خودتان را با عنوان یک مسلمان در نظر بگیرید و حتی یک مبلغ دینی، شما در بخش‌هایی از زندگی از آتش‌سوزی کاملاً منفک‌اند. آن سازمان دینی همیشه قادر به کاملاً بهائیت از زمان تولد تا زمان مرگ، لحظه به لحظه، فرد در درون فرقه کنترل می‌شود اگر کسی از درون فرقه خارج شود و تحت تأثیر گروه‌های دیگر بایه دامن اسلام بر گردد یا مذهب دیگری را انتخاب کند، به دلیل خلاهای است که میان فرقه و پیرو ایجاد می‌شود.

▲ آیا در بهائیت ساختار و شکل فرقه، بیشترین فتنار خود را در کنترل بیرون گذاشته است؟

بله! ساختار فرقه دو لجنه اساسی و خیلی مهم دارد. لجنه تبلیغ و لجنه حسابات. با وجود اینکه تبلیغ در بهائیت یکی از واجبتین کارها است

در بهائیت یکی از واجبتین کارها است که تبلیغ در بهائیت یکی از واجبتین کارها است



▲ شهر حفا و جایگاه بهائیان

و بر آن تأکید می‌شود! اما نص صریح دارند که می‌گویند صیانت اجم از تبلیغ است یعنی منع از خروج عناصر. البته همیشه موفق بودند و موارد متعددی در تاریخ داریم که از فرقه جدا شده‌اند. ملا عبدالحسن آیتی بیست سال به اعتراف خودش در کتاب کشف الحیل، بدون این که فکر کند به عنوان مبلغ بهایی بود اما با مرگ عبداله‌آبادی، به دلیل تشنگی‌هایی که در درون فرقه به وجود می‌آید دچار یک خلا می‌شود. یعنی یک فاصله‌ای از فرقه می‌گیرد و ناگهان پیار زمان خودش شکم‌های ایجاد می‌کند که عنصر مالی‌اش حاج ابوالحسن امین اردکانی، اخوند ملاعلی اکبر سرخس‌زادی، جمال پروچریدی و افراد دیگری بودند که در مناطق بهائی نشین حضور داشتند.

در زمان عبد اله‌آبادی هم همین افراد این اسم و آیدی را بر گرفته‌اند. لازم است این گونه افندی مستحضر شدند و بعد از زمان عبد اله‌آبادی در شهرها و روستاها انجمن‌ها و محفل‌هایی را دایر کردند. عبداله‌آبادی، فهمید که بیت‌العدل را که پدرش پیشنهاد کرده نمی‌تواند نیازهای جامعه بهائی را برطرف کند و خود ایجاد مشکل می‌کند. اگر بنا باشد در هر شهری جمل حکم صورت بگیرد، سنگ روی سنگ بند نمی‌شود و ممکن است به تقادد و گریز و تشنج‌های ایجاد می‌شود. بنابراین یک بیت العدل مرکزی و اعظم را تأسیس کرد که مرجع جمل احکام باشد.

▲ جایگاه بیت‌العدل در ساختار هرمی فرقه چیست؟

به‌الله یا تأسیس این فرقه، کتاب اقدس را به عنوان کتاب آسمانی معرفی کرد که در یکی از ندهانی‌های آیدم است: «قد کتب علی کل مدینه ان یحفظوا فیها بیست علی: خلودن مقرر کرده که مردم هر شهری یک بیت‌العدل داشته باشند». بیت العدل دو کار دارد اساسی: با وجود اینکه جمل احکامی که در کتاب اقدس نیست؛ یعنی



▲ عبد اله‌آبادی

جایی‌هایی که اقدس در موردش حکمی نکرده یا فراموش کرده، بهاصطلاح نبوده و یا نیاز نبوده حکمی را بیان کنند و کار دوم بیت العدل مدیریت جامعه بهائی‌ان منطقه بوده است تا مانع از پریشانی‌شان بشود. حسینی نوری در زمان خودش شکم‌های ایجاد می‌کند که عنصر مالی‌اش حاج ابوالحسن امین اردکانی، اخوند ملاعلی اکبر سرخس‌زادی، جمال پروچریدی و افراد دیگری بودند که در مناطق بهائی نشین حضور داشتند.



▲ عباس افندی عبداله‌آبادی (در حمایت دولت انگلیس



بیت‌العدل می‌تواند بعد از بهاء، که بعد عباد می‌شود نفر. «و ان از دادوا الیه»؛ اگر چه بیشتر همه باشند! شکل ندارد البته بیت العدل همیشه متوقف بر همین نه نفر بوده است. از طرف دیگر اعضای بیت العدل باید همه رجال باشند که با شعار تساوی حقوق زن و مرد سازگار نیست، بنابراین حضور زنان را در بیت العدل اعظم، ممنوع کردند. طی دوره بیت العدل که برگزار شده، هیچ زنی نبوده است. بیت العدل در کشورها که محفل ملی دارد که اوضاع بهائی‌ها آن کشور را مدیریت می‌کند، در هر منطقه‌ای که تعداد بهائی‌ها بالایی محفل تشکیل می‌شود. اگر بهائی‌ها ۲۱ سال کمتر از نفر باشند، می‌شود محفل بهایی و اگر فقط یک بهائی باشد، می‌شود محفل بهائی. نقاط بهائی هم با مدل خاصی مدیریت می‌شود. هر محفل محفل اعم از محلی، ملی و بیت العدل، همیشه با لجنه‌ها یا حساب‌های آن منطقه است. محفل از نیازها هم دارد. ندانم‌تلا لجنه امور بانوان یا جوانان؛ ولی لجنه فقر در منطقه‌ای که اصلاً فقیری وجود ندارد ممکن است شکل نگیرد.

▲ معابد مختلف در جهان چه جایگاهی در

مردی که زیاد نمی دافست!

محمد صادق احمدی / دانشجوی دکتری دین پژوهی



▲ منبر مسجد وکیل شیراز / محلی که علی محمد باب اعلام کرد امام زمان می‌باشد! و پس از چندی پیامبر جدید شد!

باب امام بداند. لعنت خدا بر کسی که مرا منکر نبوت حضرت رسول بداند. لعنت خدا بر کسی که مرا منکر انبیای الهی بداند. لعنت خدا بر کسی که مرا منکر امامت امیر المؤمنین و سایر ثمه اطهار (علیه السلام) بداند».

در کنار این براءت‌نامه، توبه‌نامه باب نیز پس از فلک شدن نوشته شد که اکنون عین آن سند در مجلس شورای اسلامی موجود است. بهترین گواه بر عدم حقانیت علی محمد باب است. به این سند در برخی از منابع بهائیان نیز اشاره شده است.

در نهشت ها:

۱. مؤسسه ملی مطبوعات امری، حضرت نقطه اولی، چاپ
چته ملی نشر آثار ایران (۱۳۸۷)، ص: ۱۵۶؛ و شیرازی، علی
۲. ص: ۲۷؛ ص: ۲۷؛ ص: ۲۷.
۳. گلپایگانی، ابوالفضل محمد بن محمد؛ القرائد؛ آلمان؛
مؤسسه ملی مطبوعات امری (۲۰۰۱)، ص: ۱۶۰؛
۴. شیرازی، علی محمد؛ درالکلیه، ص: ۲۹.
۵. اسلمنت، ج: ای، بهار الو عصر جدید، ترجمه بشیر الهی ع
و سلیمان ف؛ پزیرل؛ دارالتراجم الهی (۱۳۸۸)، ص: ۲۲.
۶. گلپایگانی، ابوالفضل محمد بن محمد؛ تفسیر، ص: ۴۴.
۷. گلپایگانی، ابوالفضل محمد بن محمد؛ کشف الغطاء؛ ص: ۲۸۲.

علی محمد شیرازی در خانواده‌ای یمنی دیده به جهان گشود. سی و دومه جوانی که پیش از هجرت به ایران مشغول سفر در راهی از دوراهی و در بوشهر، به عراق رفت و در آنجا با عقاید شیخیه آشنا شد. همین آشنایی به همراه شناختن از راهی در تعلیم ارامی، بعدها سبب این انحراف عقیدتی شد.

علی محمد با علی مراد زندگی خویش را در دهایی داشت که مهم‌ترین آنها در چهار عنوان جمع می‌شوند: بابت امام زمان؛ اقامت و موعود بودن؛ نبوت و پیامبری؛ و محبت و خدای مومن بودن.

علی محمد شیرازی: باب امام زمان

چهارمی به نام باییت وجود دارد و همیشه روی زمین فردی حضور دارد که باب امام زمان علیه السلام و حجت روی زمین است. این اعتقاد برداشتن ذوقی و عرفانی از حدیث شریف «انا قد فرغ من العلم و ابیها» است. علی محمد متنبایر همین اعتقاد خود را باب امام زمان نامید.^۱ پس از علی محمد نیز بسیاری از پیروان این فرقه و ساله و پیروان فرقه شیطانیه باییت از همین حدیث استفاده و بر صحت ادعای او استدلال کردند.

پس از مدتی او خود را همان مهدی موعود شمیسان نامید. او این ادعا را در محافل علما و بزرگان نیز مطرح کرد و اقدام به تسخیر ایات و قرآن و روایات نمود. با این ادعا مخالفت علما و او بیشتر شد و بزرگان دینی حکم به ارتداد او دادند و شدت مخالفت‌ها با او بیش از پیش

میت علی محمد باب

علی محمد شیرازی پس از دستگیری و بازداشت در قلعه ماکو و پس از تألیف کتاب «بان»، کتاب «دلانا سعه»

[illegible]

پس از مرگ محمدشاه و بالا گرفتن فتنه پایتخت، میرزا قاسم خان امیر کبیر تصمیم گرفت او را در ملاعام به قتل رساند. برخی از علما نیز به قتل وی فتوا دادند. سید علی محمد به همراه یکی از پیروانش در ۲۷ شعبان ۱۲۶۶ در تبریز تیرباران شد.

آثار علی محمدیاب

برخی از کتابهای او عبارت انداز: پنج شأن؛ دلائل السبعة؛ صحیفه علیه؛ تفسیر سوره کوثر؛ تفسیر سوره یوسف و اقصا؛ کلام الله العزیز العظیم؛ وی، غالباً به زبان عربی و مملو از اغلاط صرفی و نحوی است.

بر نغمات:

۱. آیتى، عبدالحسين: الكواكب الدرية فى مآثر البهائيه، ج: ۱، ص: ۴۳.
۲. اسرار خاوري، عبدالحميد: تلخيص

▼ علی محمد شیرازی ملقب به باب
مؤسس فرقه بابیه



بابت ابتدا به دستور والی
رس در رمضان ۱۲۶۱
ستگیر و به شیراز
بستاده شد. در شیراز او
تنبیه کردند و وی نزد
امام جمعه آن شهر، اظهار
توبه و ندامت کرد. پس از
آن، شش ماه در خانه
بری خود، تحت نظر
دوازده آنجا به اصفهان
پس به قلعه ما کو نمید
شد. در آنجا، با مریدانش
لاقات و مکاتبه داشت

هائیت دارند و تشکیلات بهائی در ایران چگونه فعالیت می کنند؟

[illegible]

مهم‌ترین شگرد جذب پیرو و استمرار در

هائیت افراد مختلف را رصد می کند و هر کسی را
حسب نقطه ضعفی که دارد، مدیریت می کند.
نقطه ضعف یکی اسم و رسم و مقام است؛ اما
نقطه ضعف دیگری زن و شهوت و پول. بهائیت
هر هفتگی سعی می کند افراد را بکلیه بر نقطه
ضعف هایشان در سر جای خودشان نگه دارد.
منها با ادای حذف طبقه مبلغین زن و روحانی، در
واقع آحاد بهائی را تشویق می کند که برای تبلیغ
لاش کنند.

آیا از طریق اعتقادی، تبلیغ می کنند؟

می‌شوند که به صورت تالیفات بهائیت همیشه شمارها، با تالیفات دوازده گانه و در فضا می‌شود. قطعه با مرکز نقل تبلیغ بهائیت تالیفات دوازده گانه است. شمارها ایوانی، اومانیست، و کمینیستی و سوسیالیستی، جدت ملی اسلامی که ما همه با هم برادر و برابریم، تحریر حقیقت، با انتخاب اندانه، و سنساری و حقوق زن و مرد که در میان اینها بهائیت کاذب است. تمام این موارد نقد و بررسی واضحی دارند با جوابهای ایهی از تقاضای خود بهائیت همه را در واقع باید گفت بهائیت یک کلاه است از تالیفات گوناگون، تنها چیزی که باغی است فرقه از تمام تا به امروز، چیزی است و مدرن تر هستند. است.



میرزا یحیی صبح ازل

رضا کاظمی (د) / دانشجوی دکتری ادیان

یکی از شخصیت‌های مطرح در میان پیروان علی محمد باب، میرزا یحیی نوری معروف به صبح ازل، وحیدو ثمره است. سرپرستی وی از همان بدو تولد ازده تا سن پنج سالگی مطابق نظر پدرش به خدیجه خانم، مادر میرزا حسینعلی نوری محول گردید. یحیی، فرزند میرزا یزید گنوری بود و در دوران جوانی همانند برادر بزرگتر خود، میرزا حسینعلی، به پیروان علی محمد باب پیوست. این دو برادر از مردمان پرو پا قرص باب بودند و ولی علی محمد باب، چون میرزا یحیی را دل‌باخته تر دید، او را جانشین خود کرد. البته نفوذ و تلاش‌های قزاق‌الین که علاقه بیشتری به صبح ازل داشت، در این موضوع مؤثر بوده است. میرزا یحیی کاشی در «قطعه الکاف» درباره علت انتخاب

صبح ازل به جانشینی می‌نویسد: «باب به علت از دست دادن یازن و دستیاران نزدیک خود، اندوگین بود؛ اما با دین مکتوبات و نوشته‌های میرزا یحیی ازل به شدت مسرور گردید و وی را به عنوان وصی خود برگزید. باب، صبح ازل را مامور کرد تا هشتاد و یک «دیان» را بنویسد و نوزده و احد آن را تکمیل کند».

علی محمد باب در کتاب «الواح» به خط خود خطاب به صبح ازل نوشته است: «خدا از همه چیز بزرگتر است، این نامه‌ای از طرف خدای مهیمن و قیوم به سوی خدای مهیمن و قیوم است، بگو همه از خدا ابتدا شدند و همه به سوی خدا بازگشت می‌کنند. این نامه‌ای است از علی بن ابی‌طالب (عده محمد و نبیل به حساب ایجاد ۹۲ می‌شود) که ذکر

پنهان شده
اسرار و
فرهنگی

۳۲


 ▲ میرزا یحیی نوری، ملقب به صبح ازل
۱۲۳۰-۱۲۳۷ ه‍.ق

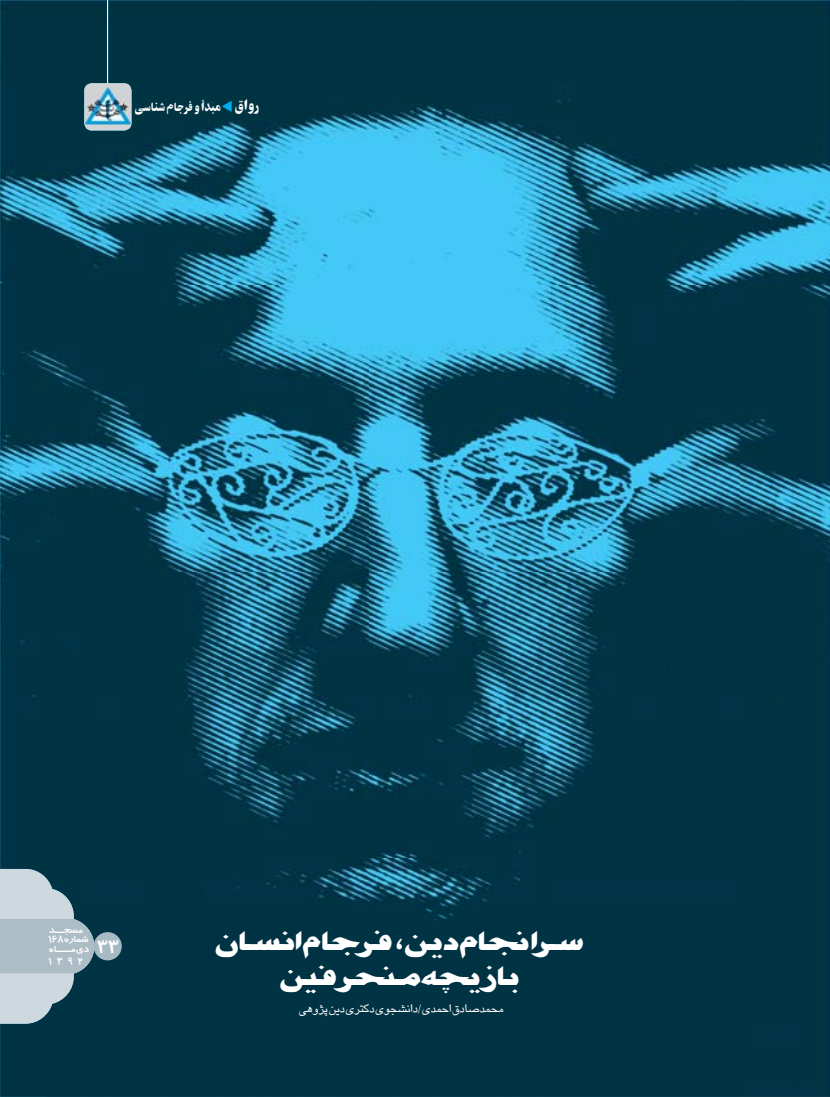

▲ صبح ازل و خانواده

خدا برای جهانیان است به سوی کسی که نامش مطابق با وحید است (وحید به ایجاد ۲۸ است و یحیی به استثنای الف آخر ۲۸ است). بگو همه از نقطه بیان ابتدایی شوند. ای نام وحید حفظ کن آنچه را که در بیان نازل شد و به آن امر کن، پس تو در راه حق بزرگ هستی».

پس از در گذشت باب، ۱۲۵ نفر ادعای من یظهره‌اللهی کردند که بعضی از آنها از لحاظ سوابق علمی و عنوانی بر میرزا حسینعلی بهاء برتری داشتند. پس از باب، پیروان او حول میرزا یحیی صبح ازل گرد آمدند. بهاء، بهاء برادر او از وی پیروی نکرد. پس از سوء قصد به جان ناصرالدین شاه توسط بابی‌ها، که به دستگیری و اعدام تعدادی از آنها انجامید، میرزا یحیی که در آن هنگام، در نور مازنران به سر می‌برد، به لباس درویشی در آمد و به بغداد فرار کرد. پس از این واقعه، بابیان به عراق تبعید شدند. حضور میرزا حسینعلی نوری برادر بزرگتر میرزا یحیی، زمینه را برای ادعای «من یظهره‌الله» وی مهیا کرد. مخالفت میرزا یحیی و طرفدارانش با ادعای حسینعلی بهاء و شورش‌های متعاقب آن، دولت عراق را مجبور کرد تا هر دو گروه را به دره در کرک به تبعید کند. پس از آن نیز صبح ازل و پیروانش به قبرس، یونان و قطر فغانستان به عکاتبعید شدند. این تبعید، سر آغاز فعالیت این فرقه محسوب می‌شود. ازل سر خلاف برادرش فردی قانع و درویش بود و پس از تبعید به قبرس، بر همان پیروان ازلی قلیل خویش اکثفا کرد و ی تا سال ۱۳۳۰ هجری قمری رهبر ازلیان باقی ماند و در قبرس از دنیا رفت. پس از وی حاجی میرزا یحیی دولت آبادی که در تهران به سر می‌برد جانشین وی شد؛ اما ازلیان خیلی زود به گمنامی کشانیده شدند و تقریباً با مرگ صبح ازل، ازلی‌گری هم مرد.

پی نوشت‌ها:

۱. کاشانی، میرزا یحیی، شرح جناب ازل، هلد: ۱۹۱۰ (م) ص: ۳۹.
۲. کاشانی، میرزا یحیی، نقطه الکاف، با مقدمه فارسی دکتر دین‌دین، هلد: ۱۹۱۰ (م).
۳. همان، ص: ۱۲۸.
۴. همان، ص: ۱۵۶.
۵. حبیبی طباطبائی، مصطفی، ماجرای بابی‌ها، تهران، روزنه (۱۳۷۹)، ج ۲، ص: ۱۲۳.
۶. لغات معجم.
۷. علامه یحیی محمد باقر تهرانی، تهران، عده (۱۳۷۹)، ص: ۱۰۸.
۸. فارسی، بهرام، تاریخ جامع بابیان (نویسنده: تهران، سخن (۱۳۹۸)، ج ۲، ص: ۲۰۶.
۹. حاجی، یحیی، عارین دلائل، ادبیات‌های آیین فرقه جهانی، ترجمه یحیی سمدی، روح‌الله خویش، انتشارات موسسه مدافع‌های، تهران، فارسی، ص: ۱۵.



سرانجام دین، فرجام افسان بازیچه منحر فین

محمد صادق احمدی / دانشجوی دکتری دین پژوهی

شماره ۱۶

بهار ۱۳۹۹

۳۳



بررسی خاتمت، مهدویت
شیخیه، بایه و
پهنایت از آن
جهت اهمیت دارد
که پهنایت و بایه است
یک تفسیر نادرست و غلط از
تألیف شیعه به شمار می‌رود،
تألیف خسر فکری و تاریخی
خود را به شیخیه می‌رساند
و بایه ناصحیح خویش را بر
پایه تألیف شیخ احمد احسائی
بنامی کنند.

❖ خاتمت یاور شیخیه

در باره خاتمت پیامبر اسلام تفاوتی با
اعتقاد شیعیان درباره خاتمت ندارد. از نظر
شیخیه پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)
ختم پیامبر است که پس از ایشان دیگر
پیامبری از جانب خدا نخواهد آمد. شیخ
احمد به عنوان بنیان گذار فرقه شیخیه در
چند مرتبه عهده به صراحت بر این باور تصریح
کرده است: «از نظر ظاهری فرموده پیامبر
اکرم (صلی الله علیه و آله) به این دلیل
است که دین او آخرین دین است و پس از
او قیامت خواهد آمد... نبوت را پایان داد»^۱
از شیخ نیز سید کاظم به صراحت به عنوان
توسیلین این گرایش مذهبی بر خاتمت پیامبر
اسلام مطابق با دیدگاه شیعی تأکید داشته
است. او در رساله الحاله الباقیه درباره خاتمت
پیامبر اسلام این چنین نوشته است: «تعتقد
الشریعة السالمة جالها محمد صلی الله
علیه و آله و انه انما خلقه لجمع السراع غیر
منسوخة الا تلك الشرائع الکیة لکما تقدمت
لظهور صفة صلی الله علیه و آله»^۲

بیان به پهنایت در دل نبی مقصود
خویش از آن تفسیر مبهمی است
بر تافته اند و به آنچه ایشان روی
به خویشان می‌رساند تمسک
جسته‌اند. علی‌رغم اینکه بزرگان
این دو فرقه شیخ احمد را فردی
عالی و صاحب عقیده می‌دانستند،
اما مبنای شیعین ایشان در رابطه با
خاتمت پیامبر اسلام را نادرست
می‌دانستند. پهنایت در این
جهان و دنیای مادی و دنیوی
در پرده محراب و محبت
به مقهور امور دنیوی می‌شود.



اینکه علمای اسلام از صدر اسلام تا کنون
دست به تفسیر غلط از اسلام زده‌اند و از
همین مسیر تسلیم امر خدا نمی‌شوند، ریشه
در عدم ادراک و اشتغال به حبشانه به ریاست
دارد.^۳

پهنایت‌الله از شیخ احمد و سید رشتی بدگویی
نمی‌کنند و ایشان را اگر کسی می‌داند که
تفسیرشان را نمی‌پذیرد و برای ایشان راه‌امند
دیگر علما در این تفسیر ناصواب می‌شمارد. این
بدین سبب است که با پذیرش مبنای شیخیه و
شیعه در باب خاتمت، بایه و پهنایت از اساس
ویران می‌شوند و جایی برای ادعای ایشان
باقی نمی‌ماند.

❖ مهدویت درباره مهدویت نیز همانند
بحث خاتمت، شیخیه با توجه به آراء و
دیدگاه‌های شیخ احمد احسائی و سید
کاظم رشتی نظری متفاوت از نظر شیعیان
ناراد و مورد اعتراض می‌باشد. فرموده‌ام
حسن سگری می‌دانند برای نمونه شیخ
احمد در «جوامع الکلم» درباره امام زمان
علیه السلام می‌فرماید: «پس از این که شیخ احمد احسائی
و پیروانش را چنین نوشته است: «هو
الشیعری الغالب المفقده» سید کاظم نیز
به این مبنای درباره امام زمان «اعتقاد
داشته و بارها در آثار خود کاوش از جمله
شرح زیارت جامعه کبیره و ادعیه اعمال
شیانه روز به امام زمان (عج) که معنی
حسن سگری (علیه السلام) است،
اشاره کرده است.

پهنایت با نادرست گرفتن این تصریحات
بزرگان شیخیه، برای مشروعیت بخشیدن
به این تصور ایشان دست به تفسیر جدیدی
زدند و علی محمد باب را موعود پنداشتند.
پهنایت‌الله را همان «نظره الله» که مد
نظر باب و نشان دادند. ابوالفضل گیلانی
بزرگترین مدافع پهنایت، که پهنایان او را
به خاطر تلاش مداومش در توحیه عقاید
پهنایی ابوالفضل می‌نامند، در «قراند» یکی
از استدلالی ترین کتب پهنایت، نوشته است:
«حضرت سید به انقباض اجل شریعت نبویه
و انتهای دوره اسلامیه، بعد از تکمیل قرن
دو هجری از قرون هجری، که اخبار فرموده و
قرن سیزدهم از هزاره هجری، که ابعاد ظهور
حضرت موعود و تغییر شریعت ظاهر به مقرر
داشته است»^۴

چنانکه از تصریح گیلانی معلوم میشود، این
کرواخی که خود را این می‌نامند، برای لین
اهدافش تاگزیر از دین مبنای حکم و مبرهن
شیعه است که حتی شیخیه نیز از ایندین کم و
کاست پذیرفته است.

❖ قیامت در باب قیامت نیز شیخ احمد
همان تفسیر مرسوم و رایج شیعی را
پذیرفته است. اعتقاداتی که نسبت به تفسیر
شیخ از مصاد جسمانی شده، هیچ روی به
دیدگاه او درباره قیامت مربوط نیست زیرا
خود شیخ به صراحت در موارد بسیاری -
چه هنگام بحث از زمان عود جسم مثالی
به یمن و چه در بحث مستقل از قیامت به -
کرات بر ضرورت وجود قیامت بر مبنای
اعتقادات شیعی تصریح کرده است.^۵ سید
کاظم رشتی نیز همین نظر شیخ را تأیید
کرده است.

در باره این باور نیز پهنایت تفسیر جدیدی طرح
نمود که در مسیر بدعت‌های سران از قابل
فهم بود، در تبیین که ایشان از قیامت ارائه
داده، قیامت به معنای ظهور مظهر شمس
حقیقت است. قیام اوت به معنای بیداری
روحانی نفوس است که در قیور جهل و نادانی
و محبت به مظهر ظهور الهی تعریف
می‌شود. از نتیجه این مفاهیم که با اصول
آیات و روایات ثابت شده و مورد تأیید همه فرق
اسلامی است، از منظر بایه و پهنایت به دیگر
فرقه‌های تفسیر می‌شود.

همان گونه که در توضیحات فوق روشن شد،
رد ادعاهای باطل این فرقه - قیامت سازی به
استدلال چنانچه ندارد و همین عدم استیجاب
تضاد درونی به خوبی نمایان از ادعاهای باطل
را روشن میکند گرچه در جای خود دلایل
مفصل تری در رد این قسوق موهوم و گمراه
عرضه شده است.

❖ بی‌نوشته: ۱. احسائی، احمد بن زین العابدین، جوامع الکلم، بصره، مطبعة
الطیبة (۱۳۲۰) ص ۱۲۷
۲. نوری، محمدکاظم، الحاله الباقیه، ص ۱۰۱
۳. حسینعلی، باقر، المثل، مؤسسه مطبوعاتی
الان (۱۳۷۷) ص ۵۲
۴. علی بابی، عبدالحسین، معجم موعود، تهران، مجدلی
نشر آزادی، ۱۳۰۱، ص ۲۰۱
۵. احسائی، احمد بن زین العابدین، بی‌نوشته، ص ۲۸
۶. گیلانی، ابوالفضل، قراند، انجمن مطبوعاتی
الان (۱۳۰۱) ص ۲۸۱-۲۸۲
۷. احسائی، احمد بن زین العابدین، بی‌نوشته، ص ۴۰
۸. استمعت، آئی، پهنایت‌الله، سرچیده ترجمه به غیر
پهنا، درجی، احسائی، تهران، نشر الهی (بی‌تا)، ص ۱۶

رواق تحلیل و نقد

پهنایت مسلکی است که از همان آغاز تأسیس، با
آموزه «وحدت عالم انسانی» شناخته شده است و
سران پهنایت و حدت عالم انسانی را یکی از تعلیم
مهم‌وزادگان پهنایت شمرده‌اند. این آموزه را
پهنایان از سیدین و صلح‌چهران تبیین می‌کنند
و ادعای کنندگان وحدت عالم انسانی و وحدت
هزار سال مردم به پهنایه‌های این نژاد، ملیت،
جنسیت و طبقه اجتماعی شسته نمی‌شدند و این
دسته تقسیم کردنیان و تفرقه‌پزوری‌گران
از پهنایت: «آنها چنان که در کتاب مائده انسانی
آمده است، همه روی گرداندگان از در شمار
انسانی به محسوب کرد نفوس که از امر بدیع
معرفش از راد اسمیه و صفتیه محروم و کل از
پهنایم بنی‌ادی الله محسور و مذکور»^۱

حسینعلی رشتی پهنایه را در کتاب «دیع»^۲
صفحه ۱۴۰ مخالفان قائل از انسانیت خارج
می‌داند و به تئوری هر کسی که آنها را آدم
بلاندرت از جمیع قیوفاست، جهانی محروم است،
از دیگر مواردی که می‌توان عنوان نقض کننده
آموزه و دارد از اشعار به مخالفت باطل هم، ستم،
تخفیر و تملع انسان‌های دیگر است. بر اساس
این آموزه پهنایت باید همیشه در صف اول مبارزه
با ناقضان حقوق بشر باشد اما سرپی پهنایت
ناقلی نشان می‌دهد که کاملاً مخالف حتی
متضاد با این اندیشه است. آنها عملاً این شعار را
با قرائن مهم‌ترین مرکز پهنایت در فلسطین
اشغالی و یغیان صهیونیسم به سخره گرفته‌اند.

و آنها شعار می‌دهند و بس!

نقد و تحلیل (کرامت‌شناس ارشد جامعه‌شناسی)



چگونه می‌شود شعار وحدت عالم انسان داد، اما
جز با اولین فرق و گروه‌ها و موجودات رزمی
غاصب که اساس آن نژادپرستی، فرقه گرایی و
برتری ملیت‌دینش است، تفرقه بیست‌ناخت؟
استقرار مهم‌ترین مرکز پهنایت به نام «بیت
العدل» که به عقیده آنها مرجع قانون گذاری،
تشریع و ملهم به الهام الهی و مصون از اشتباه
است در فلسطین شمالی «چگونه با آموز وحدت
عالم انسانی و صلح جهانی توجیه می‌شود؟ مگر
می‌شود در عالم انسانی سخن از وحدت همه
انسان‌ها و یک شاخص‌بودن آنها گفت، اما رفتی
از آنها تقاضای کمک حتی برای برطرف کردن
نیازمندی‌های اولیه کرده‌ای کمک نکرده‌ای
حکم می‌توان نتیجه گرفت که آنها نژادپرست
نداشته‌اند و این نداشتن میراث دینش و وحدت
انسانی که بخش غلبه آن باید متوجه کمک
کردن به نوع انسان شود، چگونه کمک کردن
به شخص نیازمند را تلقی می‌کند؟ چگونه
می‌توان جامعه‌ای برپا و براساس ترمیم کرد
در آن نه نیازمندان حق در خواست
کمک دارند و نه توانمند اجازه
کمک کردن؟

❖ بی‌نوشته: ۱. پهنایت‌الله، نوری، دانش، مؤسسه مطبوعات
ایران، ۱۳۵۵، ص ۱۹۸
۲. پهنایت‌الله، نوری، دانش، مؤسسه مطبوعات
ایران، ۱۳۵۵، ص ۱۹۸
۳. پهنایت‌الله، نوری، دانش، مؤسسه مطبوعات
ایران، ۱۳۵۵، ص ۱۹۸
۴. پهنایت‌الله، نوری، دانش، مؤسسه مطبوعات
ایران، ۱۳۵۵، ص ۱۹۸
۵. پهنایت‌الله، نوری، دانش، مؤسسه مطبوعات
ایران، ۱۳۵۵، ص ۱۹۸

❖ بی‌نوشته: ۱. پهنایت‌الله، نوری، دانش، مؤسسه مطبوعات
ایران، ۱۳۵۵، ص ۱۹۸
۲. پهنایت‌الله، نوری، دانش، مؤسسه مطبوعات
ایران، ۱۳۵۵، ص ۱۹۸
۳. پهنایت‌الله، نوری، دانش، مؤسسه مطبوعات
ایران، ۱۳۵۵، ص ۱۹۸
۴. پهنایت‌الله، نوری، دانش، مؤسسه مطبوعات
ایران، ۱۳۵۵، ص ۱۹۸
۵. پهنایت‌الله، نوری، دانش، مؤسسه مطبوعات
ایران، ۱۳۵۵، ص ۱۹۸

❖ بی‌نوشته: ۱. پهنایت‌الله، نوری، دانش، مؤسسه مطبوعات
ایران، ۱۳۵۵، ص ۱۹۸
۲. پهنایت‌الله، نوری، دانش، مؤسسه مطبوعات
ایران، ۱۳۵۵، ص ۱۹۸
۳. پهنایت‌الله، نوری، دانش، مؤسسه مطبوعات
ایران، ۱۳۵۵، ص ۱۹۸
۴. پهنایت‌الله، نوری، دانش، مؤسسه مطبوعات
ایران، ۱۳۵۵، ص ۱۹۸
۵. پهنایت‌الله، نوری، دانش، مؤسسه مطبوعات
ایران، ۱۳۵۵، ص ۱۹۸

❖ بی‌نوشته: ۱. پهنایت‌الله، نوری، دانش، مؤسسه مطبوعات
ایران، ۱۳۵۵، ص ۱۹۸
۲. پهنایت‌الله، نوری، دانش، مؤسسه مطبوعات
ایران، ۱۳۵۵، ص ۱۹۸
۳. پهنایت‌الله، نوری، دانش، مؤسسه مطبوعات
ایران، ۱۳۵۵، ص ۱۹۸
۴. پهنایت‌الله، نوری، دانش، مؤسسه مطبوعات
ایران، ۱۳۵۵، ص ۱۹۸
۵. پهنایت‌الله، نوری، دانش، مؤسسه مطبوعات
ایران، ۱۳۵۵، ص ۱۹۸

❖ بی‌نوشته: ۱. پهنایت‌الله، نوری، دانش، مؤسسه مطبوعات
ایران، ۱۳۵۵، ص ۱۹۸
۲. پهنایت‌الله، نوری، دانش، مؤسسه مطبوعات
ایران، ۱۳۵۵، ص ۱۹۸
۳. پهنایت‌الله، نوری، دانش، مؤسسه مطبوعات
ایران، ۱۳۵۵، ص ۱۹۸
۴. پهنایت‌الله، نوری، دانش، مؤسسه مطبوعات
ایران، ۱۳۵۵، ص ۱۹۸
۵. پهنایت‌الله، نوری، دانش، مؤسسه مطبوعات
ایران، ۱۳۵۵، ص ۱۹۸

❖ بی‌نوشته: ۱. پهنایت‌الله، نوری، دانش، مؤسسه مطبوعات
ایران، ۱۳۵۵، ص ۱۹۸
۲. پهنایت‌الله، نوری، دانش، مؤسسه مطبوعات
ایران، ۱۳۵۵، ص ۱۹۸
۳. پهنایت‌الله، نوری، دانش، مؤسسه مطبوعات
ایران، ۱۳۵۵، ص ۱۹۸
۴. پهنایت‌الله، نوری، دانش، مؤسسه مطبوعات
ایران، ۱۳۵۵، ص ۱۹۸
۵. پهنایت‌الله، نوری، دانش، مؤسسه مطبوعات
ایران، ۱۳۵۵، ص ۱۹۸

❖ بی‌نوشته: ۱. پهنایت‌الله، نوری، دانش، مؤسسه مطبوعات
ایران، ۱۳۵۵، ص ۱۹۸
۲. پهنایت‌الله، نوری، دانش، مؤسسه مطبوعات
ایران، ۱۳۵۵، ص ۱۹۸
۳. پهنایت‌الله، نوری، دانش، مؤسسه مطبوعات
ایران، ۱۳۵۵، ص ۱۹۸
۴. پهنایت‌الله، نوری، دانش، مؤسسه مطبوعات
ایران، ۱۳۵۵، ص ۱۹۸
۵. پهنایت‌الله، نوری، دانش، مؤسسه مطبوعات
ایران، ۱۳۵۵، ص ۱۹۸



رواق تحلیل و نقد

هر آنچه هستی باز آ...

محمدرضا وین‌فر، کارشناس ارشد ادبیات

زندگی افرادی مثل ایسی و مهندی، داستان سرگشتگی انسان‌هایی است که با روح حقیقت‌جویی خود دنبال حقیقت رفته‌اند؛ ولی سراب را آب دیده و سال‌ها در پی‌اش دویده‌اند؛ اما پس از سیری شستن عمر خود ناراستی‌ها و دروغ‌ها را به چشم خود دیده و دوباره به راه درست بازگشته‌اند.

عبدالحسین باقی‌پزیدی (ای) (۱۲۸۸-۱۳۱۲)، ادیب و شاعری که در یزد زاده شد، در نوجوانی به دلیل روحانیت در آمد و به آموزش علوم اسلامی پرداخت. در هفده سالگی به عراق سفر کرد و ققه و اصول را فرا گرفت.

وی در سال ۱۳۲۰ ق به اثر انغای بهائیان به آن پیوست و تقریباً هجده سال به تبلیغ بهائیت پرداخت. در اوایل همین دوران، کتاب «گوکسب‌الدینیه فی مآثر البهائیه» را درباره تاریخ پیدایش این مذهب نوشت. در سال‌های آخر زندگی عبدالبهاء مدت سه ماه در حفا همزمان وی بود؛ و آنکه در این مدت، به اعتراف خودش بطلان دعوی بهائیان را دریافته بود، از ترک این مذهب خودداری کرد.

پس از مرگ عبدالبهاء این مذهب را ترک و تألیف «کتف‌الکفاح» را درباره فریبکاری‌های سحران بهائیت را آغاز کرد. وی در ۱۳۴۸ ق به تهران بازگشت و در ۱۳۰۸ ق نشریه ادبی - انتقادی «سککانه» را تأسیس کرد که تا چند سال به طور نامنظم منتشر می‌شد.

در ۱۳۵۸ ق به یزد رفت و به تدریس در دبیرستان‌ها مشغول شد و برنامه‌ای در همان شهر در گذشت.^۱ بهائیت (۱۲۷۲-۱۳۴۱ ش) مشهور به «صیحی» اولین قصه‌گوی صبح جمعه رادیو، از پیشگامان ادبیات کودکان و نوجوانان ایران، نامی آشنا برای همه ادب‌دوستان ایران است، او

۳۶
پناه‌دهنده
آسودگی
فرهنگی



معرفی کتاب در جستجوی حقیقت

روزی بهائیتی پرورجوری، علی‌رضا، در جست و جوی حقیقت (ناقص) بر فرقه ضاله بهائیت)، قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم (۱۳۸۸)

فاطمه سادات میرحیمنی



در این اثر نویسنده تلاش کرده است تا به صورت جامع، فرقه ضاله بهائیت را در نه فصل به مخاطب خود معرفی کند. فصل اول کتاب به بررسی فرقه شیخیه که به عنوان ریشه شکل‌گیری این انحراف در تشیع است، اختصاص دارد. بررسی زندگی و احوال شیخ احمد احسائی و بعد از او سید کاظم رشتی و در نهایت فرق مختلف و منشعب از شیخیه، مطالب فصل اول کتاب هستند.

فصل دوم اختصاص به سید علی محمد باب و یاران گمراه او (حروف حی) دارد. اشاره به زندگی باب، سفرهای او به پوهش و کربلا، ریاضت‌های سخت‌باب در پوهش، همکاری با شرکت تجاری ساسون، آغاز اذاعاتی باب، توبه‌های متعدد وی، وقایع و فحاشیه‌ها و فتنه‌های بابیان در ایران، قضیه شاکم‌میر و اعدام باب و همچنین جریان چاشنی‌باب و انتساب میان بابیان، در این فصل آمده است.

نویسنده در فصل سوم به بررسی زیربای مختلف فرقه ضاله بهائیت پرداخته است. زندگی میرزا حسین علی نوری، حمایت‌های روس‌ها از وی، تبعید به عکا و سپس رفتاری افندی و شوق افندی در مواجهه با اروپاییان و امریکاییان و نحوه و انگیزه در برابر تشکیل دولت غاصب در فلسطین، از اهم مطالب این فصل است.

بررسی نقادانه اعتقادات بهائیان در توحید، نبوت، معاد و بی تعلیمات دوازده گانه ایشان، فصل چهارم و پنجم را به خود اختصاص داده است. در فصل بعدی احکام اعدای این فرقه ضاله در مسائل مختلف دینی، مورد نقد قرار گرفته است. مؤلف در فصل هفتم نظام و تشکیلات اداری و سیاسی بهائیت را با اشاره به شکل‌گیری، تعیین وظایف و سیر تشکیلاتی بیت‌المعدل بررسی کرده است. در فصل هشتم رابطه سیاسی آنها با استعمارگران جهان، خصوصاً رژیم اسرائیل را بیان می‌کند. نقش آفرینی بهائیان پیش از انقلاب ایران و ضربه مهلک انقلاب اسلامی به این فرقه متحوش، از دیگر مطالب این فصل است. نویسنده در فصل نهم با اشاره به کوشش‌های بی‌ان اذله بهائیان، انشکالات جدی بر این ایشان را روشن کند.

مجموعه
شماره ۱۶۸
دی ماه
۱۳۹۷
سرویس محراب



مشمول این آیه باشند؛ پس کردند که این قوم چه کسانی هستند؟ رسول بزرگ اسلام (صلی الله علیه و آله) دست بر شانه سلمان زد و فرمود: «این مرد قومه‌اش» و در ادامه فرمود: «لوکان الدین معقلان با اثر لانتا نوله نوشتن همیشه سخت نیست؛ ولی گاهی توصیف مطلبی، چیزی شبیه بیان یک سطح در عرفان است، همین‌ا که همین منظر شاید بهترین توصیف برای انصاف انقلاب ایران به اسلام به عنوان یک مدل جدید در میان انقلاب‌های جهان، پناه‌بردن به پیش بینی حضرت است که در دین را دغدغه اصلی مردم فارس بیان فرموده اند.

پی‌نوشت:
۱. یونان، ۲۰۰۸
۲. مجله البیان، ۱۳، ص ۲۰۸.

«یا ایها الذین آمنوا هم بر تدمنکم عن دینه فسوف یأتی الله بقوم یحییهم و یحییونه اذله علی المؤمنین اعزه علی الکفرین یجاهدون فی سبیل الله و لا یخوفونهم لانه لا تم ذلک فضل الله یؤتی من یشاء الله و اوسع علیم: ... اما خداوندش را به وسیله ملت حفظ خواهد کرد که شش صفت مهم دارند:

۱. خدا ایشان را دوست دارد؛
۲. ایشان پیش خدا را دوست دارند؛
۳. نسبت به مؤمنان قرون هستند؛
۴. نسبت به کافران سخت‌گیر هستند؛
۵. برای اعتلا کلمه الله جهاد می کنند؛
۶. عزامت هیچ ملامت کننده ای نمی هراسند؛^۱
۷. پیدا بود که با نزول این آیه، هر کس فکر می کرد که شاید قوم خود



در مسیر بهشت

صاحبہ با حجت السلام والمسلمین محمدرضا خطیب دامغانی
کوشش علی اصغر غلامی

چهار جاعت نمود. چشمه و جعده اینجاست
نوعاًست که در نماز می خوانند و گاه از آن
بخش می کنند و او را توبل شریف می گویند و
برای بار خدای متعال و برای سبب آسایش
نورال دل و دلالت است و در کتب معتبره
صحت دارد اما قافتر شریف را به هیچ وجه
در حدیث معتبره نمی دانند و در این باره
چهار آقا که لا محاله با چهایی مسلح است برای
صحت یا نقیض آن برای ایشان می ننشینم.

سیدان و جمیع علمای این بوته
«جنت السلام» و المسلمین محرمین
خداوند است. بگو: «ای خداوند عالمات

[illegible]

ماز جماعت را در مسجد جامع امیر المؤمنین علیه السلام می گوید که همه چیز این قدر روی روال نیتاده معمولی نشده بود: سال شصت بود در مسجد قائم واقع در چهار راه نظام آباد دروغی شده بود و چند روحانی را کشتند و دادند. دادی خوبی نبود. آقای مهدوی که گفتند آنجا که توست. توست.

جماعت این مسجد باش. هنوز سی ساله نشده بودم که به دستور آقای مهدوی کئی امام جماعت مسجد قائم شدم. از اولین امام جماعت‌هایی بودم که در جمهوری اسلامی نصب شدند. شب اول که نماز ادر آن مسجد خواندم، یک نفر از جلوی مسجد کشند. فقا گفتند: اینجامان! برو! اامان گفتیم: حالا که این طور است باید بمانم و من ماندم و آن افراد را که آن قدر تاملانی ایجاد می کردند به مسجد کشند.

چطور لاتھا را بہ مسجد

دردی آقا عباس اعلیٰ قاضی شکی که از بودن در روزهای عزای اهل بیت (علیهم السلام) کاشد می کشد در میان این دفتر و نگارخانه به جوان های معجب، دقت و رویی می فزاید می خوانی قبل از علم این یادداشت ها بنده متوجه اینج که درد نایب عبادی است. مصیبتی برای جوانی من شون سراسر است. روانی که عبادی بنی شون اینامام جاعت جود یک جاداشتم صحبت می کردم. گفتم: ز جوانی باید ذهن پاشد یکی سوال کرد: دینی یا دینی عزت باشد؟ جواب من این است که انگو ایامی دینام (ظلم) می علیه و علیه (و مسلم) باید پیامبر (ظلم) می علیه و علیه می کنند. مصیبت اخلاق و رفتار شون و ملامت بهم را می دردم (ظلم) می کردند.

◆ قصہ نظام آباد «یک قصہ از مسحد

[illegible]

♦ **لایحه‌های آرامش طلب** حاج آقا خطیب

در عقیدتی نیروی انتظامی هم خدمت کرده است. در اعتشاشات سال‌های اخیر اراد و آوایش را بر مرم‌دن ارامش و امنیت شهر در مخالفت با جمهوری اسلامی ارضی روشن می‌کردند و تیشه‌های باتک‌ها را می‌کشیدند. مرم در نیروی انتظامی، گفتند: نظم و امنیت را برای نظام آبادمان، لات‌های نظام آباد را مصل‌کردم و بهشان گفتند: به قدر آبروی مرم اقبال دارید گفتند: ارضی و آبروی خودمان بیشتر. گفتند: پس، ما نمیتانیم چهارراه را از شما می‌خواهیم. خود همان لات‌های نظام آباد امنیت را برقرار کردند تا جای که نظر آن مقطع، چهارراه نظام آباد از امن‌ترین چهارراه‌ها شد.

پیامبر مهربانی‌ها» ما یاد در مسجده

بمانیم و تمرین حوصله کنیم و بر خشم و غضب خود غلبه کنیم. من محال است در مسجد عصبانی شوم. یک روز از مسجد بیرون آمدم. یکی صلاز: دمارمولک! تازه فیلم مارمولک اکران شده بود) من بر گشتم و گفتم: آقا، جانم. طرف گفت: مراد من شما نبودید حاج آقا، باهم صحبت کردیم و آن فرد رقیب، ما شد».

«گاهی وقت‌ها شده که دلم بخواهد با فردی که
ایقرد بی ادبی می‌کند، برخورد کنم. چون من
همیشه ورزش می‌کنم و قوی هستم. می‌توانم
باهر کسی مبارزه کنم؛ اما همیشه این آیه جلوی
چشمم موج می‌زند: اگر درخت‌خو خوشن بودی،
مردم از دور تو پراکنده می‌شدند».

آشتی با همسایه‌ها» به این

مسجد (مسجد جامع امیرالمؤمنین علیه السلام) که آمد، حتی مستأجران مغازه‌های مسجد را بطای با مسجد نداشتند. اصلاً مسجد نمی‌آوردند. من مائتین را دور پارک می‌کردم و پادیده طرف مسجد می‌آمد. با جلوی مغازه‌ها ردمی شدم و به مغازه‌دارها سلام می‌کردم، همین روزهای بعد دیدم یکی یکی مغازه‌دارها هم آمدند و نمازگزار مسجد شدند».

«اینجا مردم، ما را محرم خود می‌دانند. قبل یا بعد از نماز، اختلافات و مسائل خانوادگی را حل می‌کنیم. خانم‌ها و آقایان با همسرشان یا نوجوانان با پدر و مادرشان اختلاف دارند یا من در میان می‌گذرانم. با ایشان صحبت می‌کنم و به کمک خداوند بسیاری از این روابط بهتر از قبل می‌شود».

مسجدی در حوالی اتوبان

نژارشی از فعالیت‌های مسجد جامع امیرالمؤمنین علیه السلام

مسجد جامع امیر المومنین علیه السلام در شمال خیابان تهران، در بزرگراه شهید باقری، مساحت آن ۲۱۸۸ مترمربع واقع شده است این مسجد در سال ۱۳۵۹ تأسیس شده و کنگر ساختن را حضرت آیت الله خا منای زده است.

معماری مسجد بسیار خوب است با غنمت مثل نفوذ امیر المومنین علیه السلام. نمای مسجد آجر کاری است و با کاشی کاری های نفیس ترین است و گلدسته ها و قیفا کاشی کاری شده و سقف سبزی رنگ است و کاش موقع آن، مؤذن بالای این گلدسته ها اذان می گفت. آن وقت لهج هارای زور را در مسجد به توش می افتاد و نماز هان زده تدریجاً از تری می شد.

مساحت مسجد بزرگ و حدود دو هزار متر مربع است. بنای مسجد شامل دو طبقه است. در طبقه محکف، شبستان و تعدادی مغاز قرار دارد و طبقه اول شامل باشگاه ورزشی، قفسه‌ها، آمفی تئاتر و بخش مخصوص فعالیت‌های خانم‌ها است که غیر از باشگاه بقیه بخش‌ها را خانم‌ها در می‌گیرند. همه در امداد و نود مستقل اند.

مسجدها که آقایان از در اصلی و بزرگ و نسبتاً مجلل وارد می‌شوند و خاتم‌ها باید از در کوچک پشتی مسجد وارد شوند و تعداد زیادی پله‌های تنگ را بالا بروند تا برای نماز خواندن به فضای کوچک‌الکین برسند. برای وضو گرفتن لازم نیست مسافتی طی شود؛ از در که وارد می‌شوی، فضای کوچکی است که در آن شبستان و وضوخانه در کنار هم تعبیه شده‌اند.

روی دیوار، در هر دو قسمت خاتم‌ها و آقاپان،
تا بلوغ بزرگی هست که روی آنها مطالب و
نصایب زیادی نصب شده‌است. این مطالب
و تصاویر شامل گزارش برهمه‌ای صنعت،
مسجد در سال گذشتۀ مطالب اجتماعی،
مذهبی و... است.

شبهستان مسجد بزرگ، چادر و تمیز است.
قسمت خاتم‌ها را می‌کند چوبی بزرگی است
که مخصوص قرار دادن چادرهای تمیز و نشسته
است. کنار آن نیز جایی برای آویختن تسبیح‌ها و
چاهری است. بعد از آن نیز کمدهای قرآن و
کتابهای دعا قرار دارند.

شبهستان خاتم‌ها آقاپان بزرگ و تمیز و مرتب



باب النساء

سید مرتضی موسوی

زنان در طول تاریخ اسلام اهل مسجد بوده‌اند و تأثیرپذیری آنان از فضاهای معنوی خصوصاً مسجد بالااست. تأثیرگذاری زنان در جامعه پیش از مردان است؛ چراکه بار تربیت فرزندان در خانواده بر دوش بانوان است و محیط تربیتی نیز تحت اشراف آنان است.

به نظر می‌رسد اولین کسی که مانع حضور زنان در مساجد شد، خلیفه دوم بوده‌اند. در حالی که در زمان رسول خدا زنان به مسجد می‌رفتند و رفت و آمد می‌کردند و از پیامبر درباره مسائل مختلف سوال می‌نمودند و جوابات النساء در مسجد شریف نبوی دلیلی بر این مدعاست. علاوه بر این، احتجاج حضرت زهرا (سلام‌الله علیها) بر حقانیت امیر المومنین نیز در مسجد صورت گرفته است. اینکه احکام خاصی درباره حضور زنان با شرایط خاصی در مسجد مطرح شده نیز دلیلی بر جواز این حضور است؛ و گرنه بیاری به بیان احکام برای این حضور نبود.

باید تمهیدی را در نظر گرفته شود که در اوارد و خروج زنان به مسجد از مردان متفاوت باشد. وضو و نحوه و مویس بهداشتی آنان در هر دو حالت در روایات و کتب فقهی آمده و مسیر ورودی و بهداشتی به گونه‌ای است که موجب آلوده شدن آن نشود.

متأسفانه در اکثر مساجد و فضاهای مناسبی در اختیار زنان قرار می‌گیرد مکان‌هایی مانند زیر بالکن یا طبقه هم‌زنان نیز مانند مردان باید از این فضاها معنوی کسب فیزیکی کنش‌های بنوعی تضعیف حقوق آنان است. علاوه بر آنکه معمولاً زنان از نظر نظارت بنی ضعیف‌تر هستند و باید رفت و آمدها به مسجد برای آنان آسان و راحت باشد.

اگر به نسبت جمعیتی هم حساب کنیم، تعداد زنان حاضر در مسجد از مردان بیشتر است؛ به همین دلیل باید سهم بیشتری از مسجد در اختیار آنان باشد.

می‌نویشت:
تا هدیج پاج ۳ ص ۲۵۴.

پول‌هایی که خرج نمی‌شوند

هزینه برای مسجد، جزئی از ملتونه زندگی هر فرد است
مهدی منتظری

از آقای مسجد اجازه‌ای گرفت و کیسه رنگ و رو فغانی را برداشتم. مثل هر هفته با صدای بلند گفتند: «یک در صد خدا داد از حق». مخرج مسجد فراموش نشود. قبض آب و گاز تازه آمده خدا خیر تو باد».

سال‌ها با این صدا صداهای ماموم در جیبشان چرخ می‌زند و مشت‌شدن درون کیسه و ارفاق خادم مسجد فرود می‌آید. هنوز هم این صدای کیسه در کارگاه لا به لای آن انگشتان سمرا را می‌کشد. مسجد درون کیسه سرازیر می‌شود.

در یک فرایند فرهنگی باید همچنان که در بعد سخت‌افزاری سنگ تمام می‌گذاریم، فکری اساسی هم برای سیستم نرم‌افزاری‌اش کنیم. شاید مسوالاتی که مسجد بزرگ که دارای امکانات مناسب و تجهیزات کافی است تا تأمین بوجه و پرداخت آن مسجد انجام دهد و در دسترس سختی بنگارند که برای ادارات امور جاری مسجد که به مراب‌هره‌های بسیار پایین‌تر از ساخت دارد دچار مشکل شده‌اند.

اینکه می‌گوییم امورات جاری مسجد و آن را محدود به تأمین بوجه آب، برق، گاز، خرید چای و شربت و یک و این گونه مولات پیش پا افتاده می‌کنیم اشتباهی است که منجر به عدم استفاده کارگزاران از ظرفیت مسجد می‌شود. این اشتباه در نگاه اول به دلیل برداشت نادرست از تعریف امورات جاری مسجد است؛ اما در یک نگاه عمیق و کارشناسانه می‌توان گفت عدم آگاهی لازم از بعد نرم‌افزاری این مکان

مقدس در کاربری و فرایند بوجه تأثیر شگرفی خواهد داشت. از آنجا که باده شده این است که فرد، خانواده و افراد محله در تعامل با مسجد بی‌ربط و بی‌اثر می‌شوند.

نمی‌خواهم تهمت بزنم یا ایراد ناپایا بگیرم؛ اما منی‌دام چرا عادت کرده‌ایم برای صحنه گذاشتن بر اعمال و رفتارمان دست‌به قطع فرمایم بزرگان دین و زمین و تنها قسمتی از آن را بیان و عمل کنیم. امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: «کسی که مسجدی را بنا کند، خدا در بهشت خانه‌ای برای او خواهد ساخت». بعد از ساخت مسجد اتفاقاً قرار است بینه‌دگر نمی‌گویند مسجد خانه معنوی انسان است و وارد خانه نشویم. بلا پایدانی که خوب است فراموش این امام همام (بعد از یاداشتن که خوب است مسجد مرور کنیم. ایشان می‌فرمایند: «هر شایاد امن در مسجد درستی که مساجد منزلت می‌دارد و زمین هستند کسی که پای‌اورد مسجد شود خدا گناهایش را می‌بخشد و او را جز دوزخ خوش نمی‌نویسد».

این نکته را بارها با خود تفکام که نگاه چری‌برای به فعالیت‌های دینی و فرهنگی یکی از دلایل حضور گرگ در مکان‌های مقدس و دینی از جمله مسجد است؛ با این نگاه می‌توان به نتیجه مطلوب رسید. مکان‌های مانند فرهنگسراها، ورزشگاه‌ها، سینماها و... و دینی از معلوم فقهی و بهداشتی این است که نقش در غنی‌سازی فرهنگ جامعه داشته باشند.

برای ایفای نقش خود حسابی هزینه می‌کنند. همه قبول

داریم این مکان‌ها بر مخاطب و پر رفت

و آمدند نگاه چری‌برای این است که مقدس کلان، فکر کارآمد، هزینه هدفمند و تبلیغ آثار گنیز برای حضور حاکمتری فرد، خانواده و جامعه در مساجد که پایگاه شد و نمو انسان است، و جود ندارد از آن طرف این شاخصه‌ها در مکان‌های دیگری که به ظاهر با هدفی فرهنگی بنا شده‌اند بسیار پر رنگ است.

والدین و به پیروی از آنها فرزندان‌شان هزینه‌ای مشخص از جهت حضور در مکان‌های یاد شده کنار می‌گذارند. البته اگر نیست خردی این کار بگیریم، سوال این است که چرا برای مسجد براه‌های آن هزینه‌ای نمی‌شود؟ شاید مساجد برای افراد مبنی ساخته شده‌اند و ربطی به دیگران ندارد. شاید هم مسجد در مقدس بنا و معماری مشکل دارند و از چالیت لازم بر موزار نیستند. شاید اهل‌الاعالات بنده‌ا تعداد مسجد‌ها کم است و مساجد آن قدر زیادند که جمعیت در بین آنها بخش می‌شود و نمودی ندارد. شاید هم این حقیر به ندرت مسجد می‌روم و حضور را احساس نمی‌کنم. شاید هم

محله ما جمعیت چندانی ندارد... خدا کند! این‌ها کلمات به دردت باشند حال که به‌ت به اینجا کشیده‌شد خوب است چند دلیل را برای اینکه چرا اهل محل برای مسجدشان هزینه نمی‌کنند مرور کنیم:

۱. هیچ‌یک هزینه‌ای بدموسول باشد که نیست؛
۲. کار کرده‌ای مسجد برای مردم روشن شد که نشده‌است؛
۳. مردم ارزش دنیوی و اخروی هزینه کردن در

راه مسجد را می‌دانند که؛

۴. مشکل از اهل محله است و الا مسوالات مسجد کارشان را خوب می‌دانند و حرفه‌ای عمل می‌کنند.
۵. سوال: آیا مردم یک مدیریت و مقدس همه جانبه فرهنگی را در مسجد محله‌شان درک کرده‌اند؟

عس‌وال: آیا نهادهای دولتی برای این معضل فکری اساسی اندیشیده‌اند؟ از جواش بگیریم به دردمش نمی‌آورد.

بعضی مسجد‌ها ظاهرشان مجلل‌تر و زیباتر و بعضی‌های دیگر ساده و بی‌الاشند. مسجد جایگاهی برای رشد فکری و معنوی انسان است و ویبر و چون وزن و مردن می‌شناسد. مسجدی که قیامت از مدعیان مسلمان می‌کشد.

حضور همه‌ا با اقتدار به مسجد رونق و صفا می‌بخشد. پیامبر سید «هیج گروهی در خانه‌ای از اهل‌العی خدا برای تلاوت کتاب خدا و مواجعه آن جمع نشندند، مگر اینکه آرامش بر آنان فرود آمد و رحمت فرشتان گرفت و فرشتگان آنان را در میان گرفتند و خداوند در میان کسانی که در نزدش هستند از آن یاد کرد».

هزینه کردن برای مسجد هزینه جبران آسیب‌های دینی و فرهنگی را بسیار پایین می‌آورد یک در دنیا می‌دهد و صدر آخرت نصیب‌مان می‌کند.

منابع:

۱. شیخ‌الاحمد الموسوی، ۱۳۱۳.
۲. کبر‌العماد.
۳. شیخ‌عبدالله، ۱۳۱۳.

تکریم بزرگان

سید مرتضی موسوی

در روایات ما بر این نکته فراوان تأکید شده است که احترام بر بزرگوارها راه مسس نگاه داشته شود. «وقر و اکبار کار و حواصفا کم» بزرگان‌شان را تعظیم و احترام کنید و به کوچکتر‌ها رحمت کنید. شخصیت افراد، علی‌الخصوص کسانی که سن و سال و از آنها گذشته است، بیشتر از بقیه باید مورد توجه باشد. آنان هم حساس‌ترند و به بعد از سن کار آمدی، از اینکه به یکباره مورد بی‌مهری و کم‌توجهی قرار بگیرند سیر خرد می‌شوند و شخصیت‌شان خدشه‌دار می‌شود. در کتاب شریف «وسائل الشیعه» ابواب مختلفی در این باره آمده است.

یکی از اماکنی که باید توجه به بزرگان در آن مورد توجه باشد مسجد است؛ که هم توقع از اهل مسجد در این زمینه پیش از دیگران است و هم مسجد اجتماعی است که معمولاً اهل آن دیگرگاری نمی‌شناسند و از احوال هم باخبرند در مسجد باید احترام‌تر می‌جی که روایت فوق آمده است، بیشتر رعایت شود با قدر دان منطقی مخصوص نماز برای ایشان یا حتی ساختن سرویس بهداشتی‌هایی که مورد استفاده کلی سالان است و کارهای ایشان دست نمونه‌هایی از توجه به شخصیت ایشان است.

در مورد رفتار گرفتن افراد در صفوف نماز نیز گفته شده که بزرگان و اهل علم در صف اول قرار می‌گیرند که معمولاً کهنسالان از نظر عمری نیز بر جوان‌ترها برتری دارند. مگر در موارد خاص، پس احترام به بزرگان و کهنسالان که کمالیاتی که عمری در مسجد سپری کرده‌اند و احترام احترام بیشتری دارد توقی بی‌احسان، متوایل و ائمه جماعات باید به این امر تأکید داشته باشند و به جوانان نیز در فرصت‌های مناسب یادآوری نمایند.

می‌نویشت:

۱. شیخ‌الاحمد الموسوی، ۱۳۱۳.
۲. وسائل‌الشیعه، ۱۳۱۳.



منابع مالی مسجد

بررسی عوامل تقویت بنیه اقتصادی و منابع مالی مسجد

محمدجواد امدادی شهیدانی

با توجه به جایگاه متعالی مسجد، کارهای مختلف فردی و اجتماعی مسجد، ضروری است که مسائل تقصیف و تقویت این کار کردها، ریشه بایی و بررسی گردد. در حله مسائل مهمی که در میزان ثمردهی تربیتی و دینی مساجد اثر مستقیم دارد، منابع مالی آنها است. منابع مالی مساجد گسترده‌ای هستند که متوجهی تأمین می‌شده است. امروزه برخی از آن عوامل مغفول مانده و نیز اندام حیاسیست برخی از راه‌های تازه نیز به فراخور اختصاص زمانی و مکنی حال حاضر نمودار شده است. لذا نویسنده بایان فعالیت‌های مسجدی و خادمان مساجد مورد توجه جدی قرار گیرد. در ادامه به بررسی آن منابع مالی و حقوق و باغفل اشاره می‌کنیم.

الف) توجه به پیوند تاریخی بازار و مسجد:

رابطه مسجد و بازار در بستر تاریخ نشانه‌های معناداری دارد که از جهات متعدد حائز اهمیت است. نخستین نشانه آن را باید در مکان مساجد دانست که نوعاً در دل بازارهای بزرگ واقع شده‌اند. قرابت مکانی و فیزیکی زمینه‌های موارات بوده و به بازار و مسجد افزوده آمد.

است. از سویی مسجد در نظارت بر داد و ستدها و اسلامی بودن عقود دخلت داشته و در بسیاری از موارد بازاریان را به عنوان پای ثابت مجالس تذکر، موعظه و مسئله گوئی روحانی مسجد قرار داده و از دیگر سو، بازار به عنوان پشته‌ای اصلی و حامی و بانی عنوان پشته‌های حقوقی و قضایی حکومتی و حاکمیتی تلقیف شود. می‌تواند موجدیات استفاده و نام و تمام از طرفیت‌های وقف را فراهم سازد.

ب) جذب نذورات و وجوهات شرعی:

در زمانه‌ای که بسیاری از مردم به مسئله نذورات و پرداخت سایر وجوهات شرعی اهتمام دارند، از طریق روحانی به افراد متعین جهت‌دهی این نذورات و وجوهات در مسیر

چنددهی به خیرات و میراث مردمی به مقوله مهم وقف‌های ابدی شدن این کمک‌ها در قالب وقفی می‌تواند پشته‌ای مالی مطمئن و ماندگاری برای مساجد باشد. گهرنگ شدن مسئله وقف و عدم احیای موقوفات فعلی مساجد خود نیازمند برنامه‌ریزی بلندمدت و حساب‌شده‌ای است که وقتی با پشته‌های حقوقی و قضایی حکومتی و حاکمیتی تلقیف شود می‌تواند موجدیات استفاده و نام و تمام از طرفیت‌های وقف را فراهم سازد.

دیگر پیوند مسجد و بازار را می‌توان در مجایا در قیوت مسجد دانست. از نظر حقوقی و رفع نیازهای مالی از طریق روحانی به افراد متعین

بازاری معرفی می‌شدند. در حال حاضر که برج‌های تجاری از هر گوشه شهر سر به آسمان می‌سایند و جای اندام‌های مساجد را می‌گیرند به نظر می‌رسد تقویت پیوستگی هرچه بیشتر بازار و مسجد، به عنوان یکی از اصلی‌ترین راه‌های تأمین نیازهای مالی مساجد باید مطرح گردد.

پ) تکنیک هبیت امای مالی:

مسئله شش‌سایلی ثروتمندان علاقه‌مند به امور خیریه و خدالت آنان در مسئله تصمیم‌سازی فعالیت‌های مسجدی از دیگر راه‌های تجربه شده تأمین منابع مالی مسجد است که در قالب هبیت امای مالی محقق می‌شود. بدیهی است اگر ثروتمندان یک‌دانش در جریان امور جاری مساجد قرار گیرند و به بازار راهبر پشته‌ای به یترین شکل ممکن کمک می‌کنند. آنان باید مسجد را خود بداندند تا مأموری که کمک احساس نکنند. این مسئله هم در جلب اطمینان خیرین از صرف صحیح هزینه‌ها مؤثر است هم می‌تواند در تهییج و تشویق آنان از این جهت که نظرشان مورد توجه است مؤثر باشد.

ج) توجیه و رفع هتکوفات:

چنددهی به خیرات و میراث مردمی به مقوله مهم وقف‌های ابدی شدن این کمک‌ها در قالب وقفی می‌تواند پشته‌ای مالی مطمئن و ماندگاری برای مساجد باشد. گهرنگ شدن مسئله وقف و عدم احیای موقوفات فعلی مساجد خود نیازمند برنامه‌ریزی بلندمدت و حساب‌شده‌ای است که وقتی با پشته‌های حقوقی و قضایی حکومتی و حاکمیتی تلقیف شود می‌تواند موجدیات استفاده و نام و تمام از طرفیت‌های وقف را فراهم سازد.

چنددهی به خیرات و میراث مردمی به مقوله مهم وقف‌های ابدی شدن این کمک‌ها در قالب وقفی می‌تواند پشته‌ای مالی مطمئن و ماندگاری برای مساجد باشد. گهرنگ شدن مسئله وقف و عدم احیای موقوفات فعلی مساجد خود نیازمند برنامه‌ریزی بلندمدت و حساب‌شده‌ای است که وقتی با پشته‌های حقوقی و قضایی حکومتی و حاکمیتی تلقیف شود می‌تواند موجدیات استفاده و نام و تمام از طرفیت‌های وقف را فراهم سازد.

لطفاً ابدی شوید...

راهکارهای ایجاد فرهنگ وقف‌کاری برای مردم

مقدمه

یکی از دغدغه‌های اصلی بشر در طول تاریخ، یافتن آکسیر دودلگی است. برای رسیدن به این آرزو تلاش‌های فراوانی داشته‌اند. به یقین این خواسته و نیاز فطری دارای پاسخی مناسب است؛ چرا که در غیر این صورت، انسان دچار سرخوردگی و نوعی نامیدی خواهد شد. مشکل اصلی بشر در این است که برای جاودانه شدن به دنبال عوامل طبیعی است؛ در حالی که راه‌ها به اشتباه انتخاب کرده‌اند. اسلام و معتقدان به معاد با ناگهی درون گردید و متوجه شدند که این علاقه‌مند انسان جوابی مناسب بدهند. رسول اکرم (صلی الله و علیه و آله) در روایتی یکی از راه‌های تداوم انسان پس از مرگ، صدقه جاریه می‌داند. ۱ منظور از صدقه جاریه در بسیاری از روایات با سنت نبوی وقف است. در این بین وقف برای مسجد به مسجد در حق خاورهای مردم محل می‌گردد. طرف مساجد توزیع می‌گردد تا هر خانواده به صورت روزانه یا ماهیانه، کمک به مسجد اختصاص داده و به یقین فعالیت‌های مسجدی به کمک‌های مردمی - هرچند کوچک - ضمانت استقلال مساجد از دولتی شدن است که در بلند مدت، موجب افزایش کارایی مساجد می‌گردد. راه اندازی طرح کمک ماهیانه اهالی محل و خیرین است. تأمین مبلغ برای هر فرد در روز شنبه‌ای که در آن افرادی مشخص ماهیانه مبلغ مشخصی برای کمک مسجد می‌پردازند تا برنام‌ریزی‌های آینده بر روی این کمک‌های ثابت انجام پذیرد.

۱. بیان امتیازات ساخت مسجد
بسیاری از مردم جامعه از اهمیت کمک برای

ساخت مسجد اطلاع ندارند. عموم مردم نمی‌دانند که ساخت مسجد عبادت و تکلیفی بر دوش همه است و صدقات سنت حسته می‌باشد این کمک مسجد شمعور دارد و تار و زهر قیامت می‌ماند تا له یا عله اهل خودش شهادت دهد. در روایتی از حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «حضور در مسجد موجب اعتلای دین و فروز و زک و روش زندگی است». ۲ بیان این امتیازات مهم که در روایات وارد شده و مورد غفلت قرار گرفته است، می‌تواند راهکاری اساسی برای توجه بیشتر مسلمانان برای احداث این مکان مقدس باشد.

۲. اهمیت وجود اجتماعی مسجد در شهرها

در روایات با منسبت به جایگاه مسجد و مرکز است. در جامعه اسلامی تأکید فراوانی شده است. در صدر اسلام بسیاری از تصمیمات کلیدی برای عرصه‌های مختلف زندگی مسلمانان، در مسجد گرفته می‌شد. در عصر حاضر نیز وجود مسجد فعال در محله‌ها مختلف شهرها، موجب کاهش بسیاری از مضلات فرهنگی شده است. تبیین چرایی وجود مسجد و نقش تربیتی آن در جامعه، به خصوص خانواده‌ها، می‌تواند به مردم برای کمک در ساختن این مکان مقدس آگاه کند.

۳. ساخت کتابخانه در مسجد

در روایات اهل بیت (علیهم السلام) نسبت به

اهمیت علم آموزی در مسجد تأکید فراوانی شده است. می‌توان گفت وجود کتابخانه در مساجد همین راستاست. دانشمندان، علمای اسلامی و مردم، بنیان گذاران اصلی کتابخانه‌ها در مسجد بوده‌اند. مهم‌ترین ویژگی این کتابخانه‌ها مردمی بودن آنها و تناسب داشتن با نیازهای محل و مراجعه کنندگانش است. از آنجایی که دولت نقش غیر مستقیم در بای این بخش از مساجد دارد، اهالی مسجد خود مدیریت محتوایی و آسانی آن را بر عهده دارند که این امر موجب می‌شود خانواده‌ها نسبت به حضور فرزندان خود در این مکان رضایت کامل داشته باشند.

۴. عهد کودک در مسجد

حضور کودکان در مسجد از مسلمات تاریخ و سیره و سنت پیامبر (صلی الله و آله و سلم) است. ایشان در مسجد انبیایی محلی برای چپها به نام «حوضه الطفالن» به معنای بای چپها قرار داده بودند. یکی از راه‌های فرهنگ‌سازی جهت وقف برای مسجد در نظر گرفتن عهد کودک برای حضور، بچه‌هاست. این امر از طرفی موجب ایجاد خاطره‌ای خوش از مسجد در ذهن کودکان و از سویی موجب آراش ذهنی و روانی پدران و مادران در زمان حضور کودک در مسجد می‌شود.

۱. بی‌نوشته:
۲. ر.ک: بقیة الصلوة، حدیث شماره ۱۲۳.
۳. عادلان علی بن حسین کرام اعمال، ج ۷، ص ۵۷۳.

دعوت به هم‌راهی

تشریه به فرهنگ تربیتی مسجد با هدف ثبت آثار و تالیفات در حوزه مسجد با توجه به شرایط مساعد تأثیرگذاری در فضای معنوی مسجد و ماندگاری آثار معنوی در افراده بیع آن در گستره اجتماعی است. تمامی انجمن‌های مساجد تهران دعوت می‌نماید دل نوشته‌ها، خاطرات، دغدغه‌های مسجدی، پیشنهادات، انتقادات خود را در نشریه به نام مرکز رسیدگی به امور مساجد و معنوی با نام مسجد جهت: ۱. شناخت محسنان و روانی‌های موجود در حوزه مسجد؛ ۲. استفاده از تجربیات و راهکارهای فرهنگی مسجد؛ ۳. جمع‌آوری ایده‌های خلاقانه با توجه به شرایط فضای مسجد؛ ۴. بهره‌برداری همگان از آثار اثرگذار و مرتبط با مسجد؛ به دفتر نشریه و با ایمیل نشریه به سال نمایند.





مسجد پاینگاه اقتصادی

اسیپ شناسی فعالیت‌های اقتصادی مساجد

سهدی مژدنی

یکی از دفعه‌های مدیران مسجد تأمین هزینه‌های جاری مسجد است. این دفعه هیئت‌انما را به سمت کسب درآمد فعالیت‌های اقتصادی سوق می‌دهد. اولین گزینه برای این کار استفاده از فضاها اضافی مسجد است که معمولاً با اجاره آشپزخانه و سالن‌های نماز در فضاهای بیرونی مسجد شکل می‌گیرد. این رفتارهای اقتصادی فعالیت‌هایی دارد که در ادامه به آنها اشاره می‌کنیم:

مزوژدن به فرهنگ جمع‌آوری کمک‌های مردمی
مسجد در طول تاریخ شیعیه با کمک‌های مردمی اداره می‌شده که در غالب وقف، نذر، هدیه، خیرات اموات باقی می‌ماند. صورت می‌گرفته است. این فرهنگ آسان‌ترین و ساده‌ترین راه برای اداره مسجد است و اگر امام جماعت و هیئت‌انما به سمت احیای این فرهنگ بروند مشکل‌های اقتصادی مسجد حل می‌شوند. اگر ایشان به سمت فعالیت‌های اقتصادی حرکت کنند، بیشترین ضرر به راه فرهنگ جمع‌آوری کمک‌های مردمی می‌زنند؛ یعنی مأمونین می‌گویند مسجد که در امداد دارد دیگر چرا می‌کند؟

در عرض نهیم قرار گرفتن هیئت‌انما
مسجد به طور غالب حسابداری مشخصی ندارد و گردش مالی مسجد نیز به مردم گزارش نمی‌شود. در اماوهای هزینه‌های مسجد به صورت شفاف به اطلاع نمازگزاران نمی‌رسد و فقط مرتب در بلندگو مسجد کمبودها و نیازمندی‌های مسجد بیان می‌شود. نگهداری پول در حساب شخصی افراد آنها

پول در عرض نهیم قرار می‌دهد. در گذشته‌ها در چگونگی هزینه‌های هیئت‌انما در برخی مساجد شفافیت هیئت‌انما در برخی مساجد شده است. معمولاً تا پولی در میان نیست افراد با اخلاص کار می‌کنند؛ ولی وقتی پول می‌آید همه مدیر و صاحب نظر می‌شوند که ابتدای اختلاف

بین هیئت‌انما و مسجد است. **درگیری حقوقی و نبود قانون حاسمی**
در مواردی که در اجاره نماز مسجد یا مستاجر به

مشکلی برخوردند، در قراردادهای دیگر به راحتی در کوتاه‌ترین زمان می‌شود حکم تخلیه گرفت؛ ولی در مساجد به علت تعریف نشدن جایگاه حقوقی مسجد و هیئت‌انما این امر به مشکل می‌خورد. تصرف ملک تجاری مسجد تحت عنوان سرقفلی از مسائلی است که مساجد با آن درگیر هستند.

عدم رعایت امور شرعی
اجاره متعلقات مسجد در صورتی صحیح است که مسجد به این نیاز نداشته باشد. این در صورتی است که از نیت و افاق اطلاع نداشته باشند. در بسیاری از موارد با اقرار با اجاره دادن زمین موقوفه برای فعالیت‌های اقتصادی، رضایت ندارد. در بعضی مساجد که آشپزخانه مسجد را اجاره می‌دهند رفت و آمد مشتریان از داخل مسجد است که با شأن و جایگاه مسجد همخوانی ندارد. در ضمن کمتر می‌شود برای این مکان‌های اجاره داده شده کنتراهای جداگانه آب، برق و گاز گرفته شود و از برق و آب مسجد استفاده می‌کنند. که مورد رضایت مردم نیست.

حاکم شدن نگاه اقتصادی در فعالیت‌های فرهنگی
از آسیب‌های دیگر فعالیت اقتصادی، سربایت آن به بخش‌های فرهنگی است. به این معنا که مدیران مسجد به دنبال کسب درآمد و برنامه و کلاس‌های فرهنگی مسجد می‌روند. این اتفاق در شهرهای بزرگ در حال روی دادن است که مؤسسه‌های فرهنگی و قرآنی برای یک ساعت اجاره یک اتاق به صورت روزانه تا دوستان هزار تومان باید پرداخت کنند.

خرج‌های غیر ضروری و تنیات
با فرض اینکه مدیران مسجد در فعالیت‌های درآمدی برای مسجد موافق باشند، آسیب‌بندی در چگونگی مصرف درآمد است که به طور معمول کمتر در کارهای فرهنگی مسجد هزینه می‌شود و بیشتر در بعد عمرانی، توسعه‌ای و تنیات‌های غیر ضروری که آفت مسجد است، مصرف می‌شوند.

پیشنهادهای
۱. حرکت به سمت ایجاد ترویج فرهنگ مساجد.
۲. تفکیک هزینه‌های مسجد و شناسایی ابعاد که مساجد در تأمین آن با مشکل مواجه هستند.

مساجد در تأمین هزینه مراسمات کمتر با مشکل روبه‌رو هستند زیرا با بیان زیادی برای این کار اعلام آمادگی می‌کنند؛ ولی مثال در پرداخت هزینه‌های قبوض، خادم،ترین‌ها یا مشاغل مواجه‌اند.

۳. قانون رایگان بودن هزینه انرژی مساجد در برخی از تقاطع کشور اجرا می‌شود که باید فراگیر شود. البته تجربه نشان داده است رایگان بودن موجب اسراف می‌شود؛ بنابراین بهتر است الگوی مصرفی مساجد نسبت به مراکز آنها مشخص شود.

۴. اداره اوقاف که بیمه خادم مساجد را بر عهده گرفته است باید پرداخت حقوق آنها را نیز به عهده بگیرد. دولت با کاهش هزینه‌های مسجد به صورت غیر مستقیم می‌تواند بیشترین کمک را به مسجد انجام دهد.

۵. در مورد هزینه توسعه‌ای و تزئینات مساجد که بیشتر هزینه‌ها مشکلات در این بخش است باید گفت چون هزینه‌های عمرانی و تزئینات بسیار بالاست و عملکرد سلبی‌های غیر ضروری برخی مدیران نیز تجربه که معلوم نیست خالصانه نیز باشد، باعث به‌همکار شدن مساجد است.

این آسیب‌ها است که زیاد دیده شده است و کمتر مسجدی را می‌توان یافت که ابزار بنایی در آن نباشد. به قول یکی از دوستان، درست‌فروزی از شاخص‌های معماری مساجد ایران نیست. عهده‌اتمام رساندن کارهای عمرانی نیازمند توان مدیریتی و تجربه است که در برخی هیئت‌انما توانایی چنین کاری را ندارند. همین هزینه‌های غیر ضروری و سوء مدیریت‌ها باعث شده است که مردم کمک‌های خود را به مسجد دهند و هیئت‌انما خود را مثل مواردی مثل مراسمات مذهبی هدایای خود را تقدیم کنند؛ ولی در موارد دیگر دست رد به در خواست تقدیم‌کنندگان می‌زنند یا کمک‌های ناچیزی می‌کنند.

۷. رویکرد کلی سازمان مساجد باید چنین باشد که هزینه‌های جاری مساجد کاهش یابد تا با کمک افراد محله، مسجد به صورت ساده مدیریت شود و همه خود مشارکت داشته باشند و دیگر نیازی به گزارش هیئت‌انما به سمت فعالیت‌های اقتصادی نباشد.

پیشنهادهای
۱. ایجاد اشتغالات ۱۰۰ تا ۱۰۰۰ نفری.
۲. ایجاد اشتغالات ۱۰۰ تا ۱۰۰۰ نفری.

سرویس شبستان

مسجد شماره ۱۶۸
دین شماره ۱۶۸
۱۳۹۲



۱. ایشان نیز خدا را دوست دارند؛
۲. نسبت به مؤمنان قوی‌تر هستند؛
۳. نسبت به کافران سخت‌گیر هستند؛
۴. در این اعتقاد، کلمه «الله» می‌باشد که در این ملامت است؛
۵. نمی‌فهمند؛
۶. خدا را دوست دارند؛
۷. خدا را دوست دارند؛
۸. خدا را دوست دارند؛
۹. خدا را دوست دارند؛
۱۰. خدا را دوست دارند؛

قوم چه کسانی هستند؟ رسول بزرگ اسلام (صلی الله علیه و آله) دست بر شانه سلمان زد و فرمود: «این مرد قومش» و در ادامه فرمود: «الله» کان الدین معلقا بالرائه تا توبه را جل می‌آید، فرموده اند.

پی‌نوشت:
۱. شماره ۱۶۸
۲. شماره ۱۶۸
۳. شماره ۱۶۸
۴. شماره ۱۶۸
۵. شماره ۱۶۸
۶. شماره ۱۶۸
۷. شماره ۱۶۸
۸. شماره ۱۶۸
۹. شماره ۱۶۸
۱۰. شماره ۱۶۸

همین از همین منظر شاید بهترین توصیف برای ائتلاف ایران به اسلام به عنوان یک مدل جدید در میان اقلیت‌های جهان، نهانه بردن به بی‌پنی حضرت است که در دین رادعغه اصلی مردم فارس بیان فرموده اند.

پی‌نوشت:
۱. شماره ۱۶۸
۲. شماره ۱۶۸
۳. شماره ۱۶۸
۴. شماره ۱۶۸
۵. شماره ۱۶۸
۶. شماره ۱۶۸
۷. شماره ۱۶۸
۸. شماره ۱۶۸
۹. شماره ۱۶۸
۱۰. شماره ۱۶۸



بنای استوار بر تقوا

نگاهی به بیانات رهبر فرزانه انقلاب پیرامون مسجد
مسلمانه بغیر

مسجد قیامت نخستین مسجدی بود که در صید اسلام توسط دستان مبارک پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) تأسیس شد. این مسجد در حومه شهر مدینه و محللی به همین نام در زمان هجرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) بنا نهاده شد. این مسجد چندین بار در طول تاریخ بازسازی و توسعه داده شد در سال ۱۴۰۵ هجری قمری به مسجد قیامت بازسازی شد. این اولین ساختمانی است که بعد از هجرت و قبل از استقرار حکومت اسلامی بنا کردند مسجد بود. مسجد در فرهنگ اسلامی معانی زیادی را به ذهن متبادر می کند. مسجد نمادی از سکونت و معنویت، سلوک و اعتقاد، اجتماع و همبستگی، علم و تربیت و بسیاری از آموزه های اسلامی است.

مقام معظم رهبری در سخنرانی ها و پیام های مختلف به جایگاه و اهمیت این نماد اسلامی اشاره کرده که در این نوشته به بخشی هایی از آن پرداخته شده است.

اهمیت وجود بنا سختمان مسجد در مکان های مختلف

مسجد تأسیس و بنای آن است. بسیاری از روستاها در اطراف شهرها پدید آمدند و بسیاری از شهرها در اطراف مکان های مهم مذهبی، در گذشته، زمانی که تصمیم به ساخت شهر یا روستایی می شد از ابتدا محلی را برای مسجد در نظر می گرفتند یا عمارتی مسجد گنبد محو و معیار توسعه شهری و روستایی بودند ولی در حال حاضر متأسفانه به این امر توجه کمتری می شود. این فرهنگ غلط را می توان به مردم ایران به یک امر عادی تبدیل شده است که در هنگام ساخت منازل و یا تأسیس شهر کما به بسیاری از موارد جزئی و کلی توجه نمی شود. در بسیاری از موارد ابتدا شهر یا شهرک را بنایی کنند بعد مسئولان شهری به فکر می افتند که کجا را باید زمین مسجد قرار داد.

«هر مورد کمبود مسجد و نمازخانه در مراکز پرجمعیت این را باید دوستانی که از دولت اینجا تشریف دارند روزی یا محترم که اینجا تشریف دارند در دولت به طور جد مطرح کنند. همه کارهای مهندسی بزرگ با یاستی یک پیوست مسجد و نمازخانه داشته باشد. وقتی مترو طرح می کنیم، ایستگاه مترو، مسجد در آن ملاحظه شود: ایستگاه قطار طرح می کنیم، فرودگاه طرح می کنیم، مسجد در آن حتماً دیده شود. شهرک طرح می کنیم، مسجد در مراکز لازم که ممکن است پیش از یکی لازم باشد، در آن حتماً ملاحظه

شود. آیا ممکن است مایک شهر که را مطرحی کنیم، خیابان کشی او را فراموش کنیم؟ می شود شهرک بدون خیابان؟ یا این چشم باید به مسجد نگاه کرد. شهرک بدون مسجد شدن آن است. مسجد انبوسازان ساختمان می خواهند محوطه بزرگ برای اتوموبایل و در تقاضای که از آن می دهند که محوطه بر اساس آن صادر می شود. باید نماز خانه دیده شود. ما باید نماز خانه این جور بر خور داریم»

(بیانات در دیدار پیرامون مسجد در مشهد، ۱۳۷۸/۱۲/۲۷)

متأسفانه علاوه بر اینکه تعداد مساجد در کشور کم است، بسیاری از مساجد موجود هم از کیفیت و بازتابی لازم برخوردار نیست. در برخی از کشورهای اسلامی مانند ترکیه و بهارستان بنای مساجد طوری است که از هر نقطه ای که دیده شود پهنه از مسجد بودن آن مکان اطلاع پدیا می کنند. حالی که بسیاری از مساجدی که در ایران بنا شده اند، به جز صدای اذان که از آن بلند می شود نمادی از مسجد بودن ندارند.

اهمیت ارتباط مساجد با جانی مسجد

قدم اول خواهد بود. قدم های سخت تری که پس از آن باید برداشته شود ارتباط با مسجد، اقامه نمازهای جماعت پنج گانه، فعالیت های فرهنگی و... است. مسجد در طول تاریخ مبدأ بسیاری از تحولات بزرگ بوده است. بسیاری از خرک های مردمی از مسجد آغاز شده و پایهای بسیاری از دگرگونی های اجتماعی و فردی از مسجد بوده است.

«مسجد نه فقط در زمان ما نه فقط در کشور عزیز اسلامی ما، بلکه در نقاط مختلف عالم و در طول تاریخ، منشأ آثار بزرگ و نهضت ها و قیام های اسلامی بزرگی شده است. مثلاً هر مردم کشورهای شمال آفریقا که مسلمان هستند، مثل الجزایر و دیگر کشورهای که سال ها در زیر سلطه نظامی استعمار فرانسوی ها بودند، از مساجد شروع شد که به پیروزی هم رسید و کشورها استقلال پیدا کردند. انقلاب این کشورها هم، این روزی رو به شکست رفت دوباره ملت ها استقلال خودشان را از دست دادند که رابطه خود را با اسلام و با دین و ایمان مساجد قطع کردند.

یکی از علل پیروزی این انقلاب مبارک در ایران اسلامی، و یا لاقال سهولت این پیروزی، این بود که مردم به مساجد اقبال پیدا کردند. جوانان مساجد را پر کردند و علمای اعلام، مساجد را به عنوان مرکز برای تعلیم، تربیت و روشنگری

افکار و آذنان، مورد استفاده قرار دادند» (بیانات در دیدار پیرامون مسجد در مشهد، ۱۳۷۸/۱۲/۲۷)

همچنین باید این تصور را که مسجد تنها برای خوشن نام و خارج شدن از آن است. مسجد این ظرفیت را دارد که بتواند اتفاق مثبت تربیتی را در وجود انسان شبستانی کند. مسجد فقط از جمله آن نیست در مسجد انواع عبادات هست. از جمله آن عبادات تفکر است که تفکر را معطیر می عبادت سست، یا در بعضی از روایات است که «من عبادت را برین سست، تا ستمین سست» یا تفکر کردن در سست افرا در مسجد بر او این فکر را به وسیله شنیدن سخنان عالمان دین و فقیه به دست می آورد. بنابر این مسجد هم مدرسه است، هم دانشگاه هم مرکز تفکر و تأمل، هم مرکز تصفیه روح، هم مرکز خلوص و مرکز امتثال بنده به خداست» (بیانات در دیدار پیرامون مسجد در مشهد، ۱۳۷۸/۱۲/۲۷)

تا یک مقام معظم رهبری بر این است که مسجد باید با تمام اقدار جامعه را با داشته باشد. طبیعت است که فعالیت های فرهنگی برای مسجد یک گرایش افراد به آن بسیار مؤثر است. تقوی و سلیقه در فعالیت های فرهنگی وجود روحانی عالم و از مواردی می تواند باشد که در گرایش مردم به مسجد مؤثر باشد.

«چه نیکوست که دانش آموزان برجسته و ممتاز در هر محل در مسجد در برابر چشم مردم و از سوی امام جماعت، تشویق شوند. مسجد باید طراوت خود را از جوانان که از او جانی می کنند، با کسب می به موفقیت علمی و اجتماعی و هنری و ورزشی دست می یابند. با صاحب هفتانی که کمک به دیگران را وجهه همت می سازند، با عمدی گانی که عکسکاری می جویند، حتی با جوانانی که متولد می شوند، برقرار و مستحکم کرد» (بیانات در دیدار پیرامون مسجد در مشهد، ۱۳۷۸/۱۲/۲۷)

مسجد محل تصمیم گیری های

«مسجد، صدر اسلام هم، در زمان نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و همچنین در عهد امویین (علیه السلام)، مسجد مرکز هر تصمیم گیری های مهم و کارهای بزرگ بود. نمادی از جامعیت و اجتماع زمان. مسجد امروز به مسجد کوفه زمان امیرالمؤمنین تشبیه می شود. یا انقضای این هم زمان متفاوت است، به طور کلی مسجد به عنوان یک پایگاه دین، عبودیت و معرفت می تواند برای جوامع اسلامی منشأ و سرآغاز هر حرکت بزرگ و برکات ماندگار باشد» (بیانات در دیدار پیرامون مسجد در مشهد، ۱۳۷۸/۱۲/۲۷)

مسجد به نظر آمیختگی دنیا و آخرت به طور قطع، انکار رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) را برای مسجد قیامت

و ترویج این فرهنگ نام را چه به مسجد کار کردی که به ایشان از مسجد در جامعه اسلامی تزییم کرد. از فعالیت های عبادی گرفته تا تصمیم های سیاسی و نظامی. از زیارتین و پر مغز تر این کارهای ایشان بود. «خلوت ناسی با خدا در مقامی که به خود می دهد» (بیانات در دیدار پیرامون مسجد در مشهد، ۱۳۷۸/۱۲/۲۷)

فصله آن با عبادتگاه های راجع ادیان دیگر را نمایان می سازد. مسجد اسلامی، شور و پیچ عبادت خالص با نشاط زندگی پاک و دردمنا و مسالمد، همه می آمیزد و در جامعه را به طراوت اسلامی آن نزدیک می کند. مسجد منظره آمیختگی دنیا و آخرت، پیوستگی فرد و جامعه در دیدگاه و اندیشه متکلم اسلام است» (بیانات در دیدار پیرامون مسجد در مشهد، ۱۳۷۸/۱۲/۲۷)

نقش مسجد به روحانی و جانی

مسجد در حکم مسجد روحانی است. مسجد قبر روحانی، قابلیت های بیشتری داشته باشد. انقضای این هم زمان امیرالمؤمنین (علیه السلام)، مسجد مرکز هر تصمیم گیری های مهم و کارهای بزرگ بود. نمادی از جامعیت و اجتماع زمان. مسجد امروز به مسجد کوفه زمان امیرالمؤمنین تشبیه می شود. یا انقضای این هم زمان متفاوت است، به طور کلی مسجد به عنوان یک پایگاه دین، عبودیت و معرفت می تواند برای جوامع اسلامی منشأ و سرآغاز هر حرکت بزرگ و برکات ماندگار باشد» (بیانات در دیدار پیرامون مسجد در مشهد، ۱۳۷۸/۱۲/۲۷)

مجنوب و مشتاق کند» (بیانات در دیدار پیرامون مسجد در مشهد، ۱۳۷۸/۱۲/۲۷)

بصیرت قرمز آرزو ست

باز خوانی نقش‌قادر بصیرت‌دین

علی سعیدی



اگر قایل، هایل
راه‌قتل نمی‌رساند، آیا
در آینده بشریت تأثیر
داشت؟

اگر فشار به سخت‌ن
بیم‌هنگام خود
می‌دادند، آیا در آینده بشریت
تأثیر داشت؟

اگر مردم مکه با جان و دل، پیامبر
اگر صلی‌الله علیه و آله را قبول
می‌کردند، چه تأثیری در سیر تاریخی
بشریت اتفاق می‌افتاد؟

اگر کوفیان تابای جان کتلر امیر المومنین
می‌پسندید چه اتفاقی برای آن‌سای می‌افتاد؟
اگر مردم کوفه در محرم سال ۶۱ هجری
نمی‌کشیدند؟

در طول تاریخ هزاران دوراهی وجود داشته
است که مسیر هر کدام عکس دیگری بوده
است. تصمیم‌های صحیح و چه بسا انسان،

گاهی می‌توانست مسیر تمدن، پیشرفت و تکامل انسان را تغییر دهد که
متأسفانه در بسیاری از این موارد اخذ تصمیم‌های اشتباه، حرکت، سرعت
و تکامل بشری را به عقب انداخته است.

یکی از ویژگی‌هایی که در متون دینی به آن اشاره می‌شود پیامبر قلیبتی
در انسان است که وی را قادر به تشخیص راه صحیح از اشتباه می‌کند،
«بصیرت» است. بصیرت در واقع، بررسی موشکافانه ابعاد مختلف یک
مسئله است که در نتیجه آن معرفتی ژرف برای انسان فراهم می‌شود که
جای هیچ گونه تردید و تزلزل در آن معرفت نیست. بصیرت حکم به ظاهر
نیست؛ بلکه شناخت درون و باطن است. بصیرت با این مفهوم در دیدگاه
امیر المومنین «جایگاهی رفیع دارد؛ از نظر حضرت، ارزش انسان وابسته به
معرفت و بصیرت اوست و ایمان نگاه‌برای مومن سوختن است که همراه
رو بصیرت باشد.

بصیرت دینی می‌تواند محصول ویژگی‌های مختلفی باشد؛ از جمله ترکیه
نفس، مجاهده با هوای نفس، ذکر خدا، امیر المومنین می‌فرماید: «حق ذکر
الاستبصر؛ کسی که خدا را یاد کند، بیانی و بصیرت یابد». همچنین با
علم: «جاور العلماء تستبصر؛ با دانایان بنشین تا آگاهی یابی». «خردوری،
بدون تحقیق چیزی را پذیرفتن، آینده‌نگری و استفاده از عقل و خرد در مورد
آینده و فرجام کار، زهد و ارتباط با خدا.

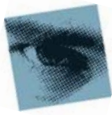
آنچه در این مطلب به آن اشاره خواهد شد تأکید بر تقوا و تأثیر آن بر بصیرت
دینی از نگاه امیر المومنین است.
حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «اعلموا، عبادالله، ان التقوی
دار حسن عزیز... الا بالتقوی تقطع همه الخطایای بندهگان خدا باینده
که تقوا، دوی محکم و شکست‌ناپذیر است. آگاه باشید که اگر با پرهیز کاری،
ریشه‌های گناهان را می‌توان برید». همچنین می‌فرماید: «فان الله التقوی
دوای دای قلوبکم و بصیر عی افقدکم؛ همانا تقوا و استی از خدا، دای دوی
بصیرت‌های دل‌ها را و روشنی قلب‌ها است». حضرت در سخن دیگری
می‌فرماید: «ان من عبد الله الیه عبد الله الیه عبد الله علی نفسه، فاستعبر

الحزن و تجلب الخوف؛ فزهر مصباح الهدی فی قلبه
و اعان علی لویه المائل به... نظر فایس و ذکر فاستعبر؛
ای بندهگان خدا! همانا بهترین و محبوب‌ترین بنده نزد
خدا، بنده‌ای است که خدا را در یاد و پیکار با نفس یاری داده
است، آن کسی که جامه‌زین او نبوده و لباس روین
او ترس از خداست، چراغ هدایت در قلبش روشن
شده و وسایل لذت‌بری از وی دور افتاده و او فراموش آمده.
همواره به یاد خدا بوده و اعمال نیکو، فراوان
انجام داده‌است».

تقوا همچو چراغی روشن کننده راه هدایت
است. راهی که جز با عنایت خداوند قدم نهادن در آن
امکان پذیر نخواهد بود. تقوا در انسان، قدرت تشخیص ایجاد
می‌کند؛ چنان که خداوند در سوره انفال آیه ۲۹ می‌فرماید: «ای ایها الذین
امنوا! انتقوا لیعلکم فرقا فی اشیاء کسبی که ایمان آوردید؛ اگر خدا ترس
و پرهیزگار شوید، خداوند شما را فرقی بخشد (یعنی دیده بصیرت دهد تا به نور
باطن حق را باطل بباشید)».

امیر المومنین «خوشت‌داری را به معنای ایستادن و مقابله با گناهی دانند
همچنین دوری گرفتن از محرمانه، بلکه از مشتملات را در یاد بگیرند
تقوی ذخیره‌روز جز او قلمه و حصار مومن است. حضرت در موارد متعددی
به رابطه تقوی و بصیرت اشاره می‌کند و می‌فرماید: «عیادالله

عن ان حب عبد الله الیه عبد الله الیه عبد الله علیه و آله
نفسه... قد ایسر طریق و سلک سیله و عرف
مشاره و قطع غمراه و استمسک بر می‌گیری
بواقعها. و من الجلال تانتها، فهو من الجلی علی
حضرت ضو الشمس؛ ای بندهگان خدا! از محبوب‌ترین
بندهگان خدا، خود نیست کسی است که او را در راه پیروزی
بر او راهی یاری نقشش را می‌کرده است؛ این
الخاص و جهاد بانس او را از نایبانی‌های تاریک و پستی‌ها و مرز و هوای پست‌ها
خارج ساخته است. کلیل درهای هدایت و قفل درهای کمرهای گردیده، راه
تجاوز کنند. بدون شک آن که بیشترین بهره‌را از
این اختلافات می‌برد نظام سلطه و استعمار است
که هیچ گونه اعتقادی به اصل اسلام و مسلمین



هدایت، به مطمئن‌ترین آنها چنگ زده و از رشته‌های
نجات به محکم‌ترین آنها تمسک شده؛ هدایت
به همین دلیل در مقام یقین به آنجا
رسیده که حقایق را همانند نور
آفتابی ببیند».

ایشان در این خطبه با تأکید بر اینکه
بصیرت نتیجه تقواست، آثاری را برای
تقوا بر می‌شمرند که این مبهم دوازده اثر
در ایجاد بصیرت به واسطه تقوا را از این
کلمات نورانی استخراج کرده‌است:

۱. زَهْرُ مصباح الهدی فی قلبه؛ معرفت الهی قلب اورا
۲. منی کند
۳. نظر فایسر؛ با دیده بصیرت می‌نگرد.
۴. فخر من صفة العمی؛ از کوری چهل می‌شود.
۵. فقصان من فقاتح ابواب الهدی؛ کلیل درهای هدایت گمراهان می‌شود.
۶. فایسر طریق حو را به خوبی می‌شناسد
۷. و سلک سیله؛ راه و سلوک الهی را در عمل هم می‌پیماید
۸. قد عرف منار هدائه؛ حق را می‌شناسد
۹. فهو من یقین علی مثل ضو الشمس؛ حقایق عالم مانند روز برای وی روشن و آشکار است.
۱۰. مصباح ظلمات؛ چراغ تاریکی‌هاست.
۱۱. دفاع معضلات؛ مشکلات و معضلات را دفع می‌کند
۱۲. دلی قلاوت؛ دلیل و راهنمای منازل سخت‌سند.
۱۳. یقول فیه؛ سخنش قابل فهم است؛ چرا که از بی‌توانی‌ها شانه‌اش
۱۴. بی‌توانی؛

۱. جامع ایات و احادیث؛ حدیث ۱۵۵۱

۲. مجمع البحار؛ ج ۲، ص ۱۹۷

۳. نهج الهدی؛ ج ۲، ص ۱۵۷

۴. فیه؛ ج ۱، ص ۱۸۱

۵. فیه؛ ج ۱، ص ۱۸۱

۶. فیه؛ ج ۱، ص ۱۸۱

خمینی (ره) ریشه این همه اختلاف‌افکنی
برخی از مدعیان اسلام، در دو مشکل بزرگ
است: ۱. عدم شناخت صحیح اسلام؛ ۲.
اعراض شخصی و قیاس‌براری نفس.
امام خمینی (ره) همان ابتدای نهضت نسبت به
چهل دول اسلامی از حقیقت اسلام حساس
بودند. ایشان در ۱۳۳۲ می‌فرماید: «هول‌ات‌ها

ندارند آنها همواره بر آتش این اختلافات
افزوده‌اند آنها از طریق برنام‌ریزی‌های منسجم
و هدفمند و با استفاده از رسانه‌های گسترده و
تهدید و تبلیع برخی سران گروه‌های اسلام‌و
گروه‌های تندرویی کرده‌اند تا دشمنان اختلاف
مسلمین را روشن نگه دارند.

۳. عوامل درونی تفرقه؛ از منظر اسلام

جهان اسلام تحت اشغال اسرائیل باشد و آمریکا
و چند کشور اروپایی به خدا چاره‌دهند که امنیت
عراق و افغانستان و پاکستان را سلب کنند و به
پهلایه‌های واهی به جان و مال و ناموس مسلمین
تجاوز کنند. بدون شک آن که بیشترین بهره‌را از
این اختلافات می‌برد نظام سلطه و استعمار است
که هیچ گونه اعتقادی به اصل اسلام و مسلمین

برای وحدت...

جایگاه و اهمیت وحدت در امت اسلامی

سید محمد طاه مومنی



تشیع انقلاب اسلامی

معصومین به رعایت وحدت مسلمین سفارش
شده است. در گفتار انقلاب اسلامی نیز مسئله
«وحدت امت اسلام» مسئله‌ای بسیار پر رنگ و
با اهمیت بوده‌است و حضرت امام خمینی (ره)
و مقام معظم رهبری به طور مکرر بر این مهم
تصریح فرموده‌اند. اما هنوز هم این مسئله واضح
و حتی بدیهی برای برخی از افراد در امت اسلام

یکی از کمزیرات مهم و کلیدی گفتار اسلام، ناه
تکیه بر وحدت امت اسلام و پرهیز از اختلافات
فرقه‌ای و تفرقه‌مسلمین است. اصل وحدت یک
اصل قرآنی و مهم در میان آموزه‌های اسلامی
است که در آیات فراوان و روایات متعددی بر آن
تأکید شده است. در سیر رسول اعظم (صلی‌الله
علیه و آله) و امیر المومنین علی (علیه و آله) و سایر ائمه

نگاهی به اشعار نغز آیت الله علی کاظمی اردبیلی امام جماعت مسجد امام رضا
حجت الاسلام حمید شهیدی



در حوزه علمیه و نظارت بر دبستان و دبیرستان مغربی، به کار
و تلاش و احداث کارگاه‌های باغبانی و دامپروری پرداخت. پنج
سال بعد به تهران مهاجرت کرد و مدتی در دبستان امام‌خامنه‌ای در
مسجد امام، شاعر و شاعر و جلیان روز به به انجام وظایف
دینی، تبلیغی و اجتماعی و فرهنگی به کار گماشت.
انسان در هر زمان تأمین خیر و برکت خود را در دسترس کار و
تلاش خود خرد کرد و برای ایجاد راه‌های فرستادن بدو.
هر گونه توقع و انتظار، هواره در مسجد محل ملجأ و پناهگاه
هر مودم بود. این‌ها به امر امامت امامت است که اکنون که
نشان آن در یک‌پیکر هشتادساله است، اهتمام دارد و با روحیه
و نشاط و نشاط آساناً آثار و خدمات فراوانی مستند این فصل از
زندگی ایشان فرستاده جلیان و مستوفی و غیره است.

خوشبختانه انتشارات اطلاعات در سال گذشته کلیات دیوان اشعار این روحانی خدم را با نام «دیوان کاظمی» در هفتصد صفحه به زیور طبع آراسته است.

با هم چند نمونه از خلاصه و گزیده اشعار این شاعر توانا را می خوانیم:

ی نور تو، نور ذات اقدم

ی نور تو، نور ذات اقدم
ی مفخر جمله من تقدم
زیک نفست شوند زنده
صد مريم و صد مسيح مريم
روشن تر از آفتاب و ماهی
ز روی تو روشن است عالم
خاک در توست ز امر باری
رایش فرش و عرش اعظم

حضرت ولی عصر

حضرت ولی عصر
سستمز عطر عنبر و سارایت
مدهوشم از زلف سمن سارایت
مدهوشم از زلف سمن سارایت
سرمه به مقدمه و الایت
موجی نمی زند به دلم هرگز
جز آرزوی عشق و تو لایت
منها به انتظار تو من دارم

مر کاظمی عنایت و شفقت کن
نربان خلق پاک و سجا یایت

١. اشارہ بہ: اِنَّ اللّٰهَ وَالْمَلٰئِكَةَ يَصَلُّوْنَ عَلٰى النَّبِيِّؐ .

دل رمیده ما را

لطیفه‌های عجب زیر دام و دانه توست
صبا به لطف و صفا مزده بهارن داد
اسند دختر کان چمن شکفته و شاد
جفا فی فصل خزن / ز بهار برادر داد
بدلت به وصل گل ای بلبل سر خوش باد
که در چمن همه گلبانگ عاشقانه توست
به عاشقان جگر خستمت غایت کن
به و الهان رخت لطف بی نهایت کن
گلای خاک درت / از کرم به غایت کن
علاج ضعف دل مایه بل حوالت کن
که آن مفرح یاقوت در خزانه توست
خیال تو به دلم بذر عشق می کارد

چو «کاظمی» به رخم اشک شوق می بارد
«مرا امید وصال تو زنده می دارد»
سرود مجلس است اکنون فلک به رقص آرد
که شعر حافظ شیرین سخن ترانه توست

بہ مناسبت میلاد رسول

بہ مناسبت میلاد رسول اکرم (صلی اللہ علیہ وآلہ) و امام صادق (علیہ السلام)

بہ کوشش فاطمہ سعیدی

[illegible]



بخش اول

از مس نظر تا طبلای عمل

نگاهی متفاوت به ساختن سیستمی طلا و مس علی‌ضابطی پیری

طلا و مس با فیلیمی در بار و بار و حایت به کار گردانی همایون اسدیان است. این فیلم اولین و آخرین اثر این کارگردان در حوزه دیو و روحانیت است. تهیه کننده این فیلم منوچهر محمدی است. وی سومین بار است که تهیه کنندگی اثری در زمینه روحانیت را بر عهده می‌گیرد. او قبل از این تهیه کننده فیلم‌های «نیز نور ماه» و «هارمولک» نیز بوده است. فیلمنامه نویسن این اثر حامد محمدی است. طرح اولیه داستان طلا و مس توسط تهیه کننده ایده پردازی شده است. به همین دلیل به نظر می‌رسد شخصیت‌های مرتبط با روحانیت در این فیلم با شخصیت‌های دو ساخته قبلی منوچهر محمدی مرتبط باشند که نگاهی گذرا به شخصیت پر داری در این سه فیلم این ایده را تقویت می‌نماید.

این فیلم از نمودار فیلم‌هایی است که توسط مقام معظم رهبری مورد تقدیر قرار گرفته است. ایشان ضمن طلا و مس را عالی دانسته‌اند و

با بیان اینکه کارگردانی این فیلم بستمای خوب بوده است از بازی دو بازیگر اصلی این فیلم که نقش روحانی و همسرش را بازی می‌کردند تمجید فرموده‌اند. رهبر انقلاب بازی شعبی و جواهریان در این فیلم را برای مخاطب «خیلی خوب» و «باورپذیر» دانسته‌اند. ایشان طلا و مس را نمایش کاملی از زندگی یک طبله عنوان کرده‌اند.

داستان فیلم



شبهان ادبیات و هنر



نیشابور است که به هوای شرکت در کلاس اخلاق حاج آقا رحیم جلالی وطن کرده است. اما مشکلات، مزاج آن می‌شود که بتواند سر کلاس درس ایشان حاضر شود. کمی پس از ورود سیدزاده تهران بیماری پنهان همسری خود را می‌نماید و توانایی همسرش در سیدگی به امور و همچنین نیاز به پول برای علاج بیماری همسرش باعث می‌شود تا توجه وی از درس و بحث به سمت امور اقتصادی برود. سید دوست سیدرضا به‌وی برای کمتر شدن بار مشکلات کمک می‌کند. اتفاقاتی که در بیمارستان، بازار و مدرسه برای او می‌افتد یا نگاهی که از پشت درب کلاس حاج آقا رحیم می‌شود عین شده و او را اخلاق نظری به اخلاق عملی

رهمن می‌کند و نفس نظر را به طلای عمل بدل می‌نماید.

شخصیت‌های داستان شخصیت اصلی داستان سیدزاده است. سیدزاده خادم نیشابوری طلایی است که بسیار صبور است. نگاه سیدزاده به سختی و ناملایمات زندگی با افراد عادی متفاوت است. او در جودایی که به‌طور طبیعی زمان انسان به‌شکوه از پروردگار باز می‌شود، تنها به حل مشکل و رضای الهی می‌اندیشد. این نکته که وی در اوج مشکلات نماز می‌خواند و در پایان نماز نیز هیچ شکوه‌ای از خداوند ندارد و با اینکه

شخصیت سوداهاست. حمید طلایی است که نه به خواست خود وارد حوزه شده و نه تمام اوقات خود را به طبلگی می‌پردازد. شاید برای اینکه به‌عمدی از نخور شغل حمید را نگیرد و است؛ ولی به راحتی می‌توان با تعمیم شغل حمید به پیام حضور این شخصیت در فیلم پی برد. حمید در فیلم به شدت ساده متواضع و اخلاق مدار است و امورات به ظاهر خارج از مسک طبلگی خود را در مینایی شرعی پی ریزی کرده است. این نکته خصوصاً در دیالوگ حمید به انتقال سیدزاده وی نمود پیدا می‌کند. «شما چرا این همه کمالتون؟ کسب روزی حالا بقا نغین جهاد کما کسب شیخ انصاری که ان شاء الله مطالعه کردند؟». حمید هم مانند بقیه طلاب درس حوزه را مطالعه کرده اما بی برنامه‌ی و شاید بی هدفی، او را از رشد علمی دور نگذاشته است. درس شخصیت حمید پیرش که طبله است نیز نقطه است. نگاه دورین به پدر حمید به عنوان پدری که طبله است و پسر خود را به حوزه رهنمون کرده است، نگاهی همراه با انتقاد است. کارگردان به راه ناهموار از راه طبله، او را راه کرده است. داستان برای آن‌که مخاطب را به این موضوع سوق دهد یکی از وظایف اصلی والدین حمید که بر گزین همسر برای اوست را به زهراسادات و کارگردار هست.



دیگر شخصیت تأثیر گذار داستان سید است. او سرپرستار بخش است. او در حقیقت نماینده ذهنیت بخشی از مردم نسبت به طاب است؛ ذهنیتی که بدینانه و از وی شنیده‌ها است. عجله کارگردان برای ارائه شخصیت سید به مخاطب باعث شده تا دیالوگ ابتدایی سید در فیلم جالبی باشد و او که به علت عدم حضور مسئولین پذیرش بخش به اتاق همسر خود رفته است را به رفتارهای غیر اخلاقی متهم می‌کند: «روت نمیشه منو نگاه کنی؛ ولی خوب تو بخش زن‌ها جولون می‌دی؟» یا اینکه در جای دیگر می‌گوید: «همین یکی رو داری حاج آقا؟».

شخصیت دیگر حامل پیام در فیلم دختر ک فال فروش است که در ادامه به آن اشاره می‌شود. دو کودک سیدزاده به همراه دخترکی که با صاحب خانه ایشان زندگی می‌کند نیز در سکانس‌هایی از فیلم تأثیر گذارند. گذار بیمارستان و صلاب درون حوزه نیز حاوی پیام‌هایی برای مخاطب هستند. طرز بر خورد پزشک با زهراسادات به هنگام ارائه توضیحات به شاگردان؛ خمیراهای کابر آزارشگاه و حضور چند باره مسئول پذیرش همان قدر که طبعی جلوه داده شده‌اند، انتقاد گونه نگریسته شده‌اند.

فرم نظر سنجی

ماهیانه مسجد شماره ۱۶۴

خواننده مجتبی!

احتمال شما در تکمیل این فرم و ارسال نظرات خود، قطعاً نشان دهنده راه ما در طریق ارتقای همه‌جانبه نشریه خواهد بود. برای ارسال فرم، تنها آن را از نشریه جدا کرده و بدون پاکت پستی و املای تمیز، در صندوق پست بفرمایید.

تحصیلات کلاسیک :
تحصیلات حوزوی :
تلفن تماس (هزاره) :

نام و نام خانوادگی :
آدرس منزل :
پست الکترونیکی :

شخصیات محل خدمت (مسجد)
نام مسجد تحت مدیریت :
آدرس پستی :
تلفن تماس :

در صورتی که مسجد دارای وب سایت و یا پایگاه اطلاع رسانی مجازی است آدرس پایگاه را قید نمایید:

تهران صندوق پستی ۱۳۸۵/۱۳۷۷

پست جواب قبول

هزینه پستی براساس قرارداد شماره ۱۳۹۱/۱۳۷ پرداخت شده است

لطفاً پس از تکمیل فرم آن را به داخل صندوق پست بفرستید



در این میان طلایی که در فیلم نمایش داده می‌شوند به گونه‌ای، ساده‌انگاره، غیرواقعی و سطحی ترسیم شده‌اند. به گونه‌ای که باید ایشان را کاذبی دانست. عدم انطباق با واقعیت بر بی‌عقلی شخصیت‌ها، چالاکانه و بر خورد‌ها افزوده است.

پی‌نوشت:

۱. به نقل از سایت‌های خبری خبرنامه دانشجویان ایران، رجاو، تابک.

شماره ۱۶
شماره ۱۳۹۱



معرفی کتاب «مشاوره زیر گنبد فیروزه‌ای»
به کوشش علی صادقی سرشت

ماصل مشاوره دیدگاه اسلام چه حکمی دارد؟ آیا محسن، زکات و صدقات به بیماران شدید روانی که هزینه درمان را ندارند تعلق می‌گیرد؟ آیا می‌توان نسبت به درجه فامیلی یا غیر فامیلی، احکام تکلیفی مختلفی (حرمت و کراهت و اباحه) در نظر گرفت؟ مثلاً گفت در صورت احتمال خطر ژنتیکی، از دواج با فامیل نزدیک حرمت، و با فامیل دورتر کراهت دارد؟

ما استفاده از سحر و جادو برای تقویت و استحکام روابط خانوادگی چه حکمی دارد؟

ماصل رازداری برای مشاور مطلق است یا مشروط؟ در مواردی که برای مشاور براساس مراجع و یا دیگران خطری باشد که به امنیت اجتماعی آنان ضرر بزند، رازداری لازم است؟

ماهنامه
آموزش
فرهنگی
ترویجی

۷۲

«دواج‌های ناخن» برای فرار از موقعیت بد خانه، مانند مشاجرات و اعتیاد والدین و فرار از نامادری و ناپدربری و فرار از تنهایی و رسیدن به موقعیت مالی یا اجتماعی، تحمیلی و اجباری است. با توجه به اینکه بسیاری از این ازدواج‌ها ناقص است، شرط ضرر در باره آن چیست؟ آیا این کار خیانت به همسران آنها نیست که صداقت‌پذیرفته‌اند یا آنها زندگی کنند؟

مادر و مادر من سال‌هاست که باهم ناسازگاری دارند. به دلیل مشاجرات و ناسازگویی‌ها و حتی کتک‌کاری‌ها ایشان زندگی ما جهنم شده‌است. هیچ‌یک از آنها نیز حاضر نیستند از حرف خود کوتاه بیایند.

الف) آیا این کارشان از نظر شرعی مصلحت «مجادله» و از گناهان کبیره‌ایست؟
ب) آیا استفاده از حکم و مشاور خانوادگی برای برداشتن این فشار روانی از خود و فرزندان واجب نیست؟
ج) اگر والدین هزینه مشاور و خانواده در مانگر را داشته باشند، برای فرزندان ممول از باب نفقه، پذیرفتن این هزینه لازم است؟
مقرآن می‌فرماید که در مشاجرات خانوادگی به یک حکم از خانواده شوهر و یک حکم از خانواده زن رجوع کنید.
الف) آیا رجوع به حکم واجب است؟
ب) اگر به دلیل، مانند نبودن فرد قابل اعتماد امکان رجوع به حکم نبود، چه باید کرد؟

ج) آیا واجب است که حکم‌حتملاً از طرف هر دو زوج و اقوام باشد؟

اگر می‌خواهید در مورد استفتائاتی که در بالا خواندید و همچنین سایر استفتائات قبلی در حوزه مشاوره و روان درمانی بیشتر بدانید، به شما مطالعه کتاب «مشاوره زیر گنبد فیروزه‌ای» نوشته استاد گران قدر حوزه حضرت آیت الله سیدمحمدتقی علوی و کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی، حجت الاسلام محمدحسین قدیری را پیشنهاد می‌کنیم. این کتاب در پنج فصل تدوین شده‌است. در فصل اول به مباحثی در ارتباط با راه‌نمایی، مشاوره و روان‌درمانی پرداخته شده‌است و در فصول بعدی به ترتیب به مباحثی درباره بیماری‌های روانی، مشاوره ژنتیک، مشاوره ازدواج و خانواده‌درمانی، و فنون و شرایط مکانی مشاوره اشاره شده‌است.

یکی از نکات ویژه این کتاب آن است که در ابتدای هر فصل مباحثی روان‌شناختی از موضوع مورد بحث ارائه گردیده‌است و سپس در انتهای هر فصل، سوالات شرعی مرتبط با آن حوزه مورد سؤال قرار گرفته‌است. این سوالات هم از ناحیه متخصصان است و هم از ناهای مجامع.

این اثر از شمشاد انتشارات مؤسسه امام خمینی در سال ۱۳۹۲ به زور چاپ آراسته است.



سبک علمی مطالب

بسیاری کدام مطلب از سبک‌های چهارگانه نشریه را در شماره بعدی لازم می‌دانید:

آموزشی مهارتی ترویجی فرهنگی سیاسی اجتماعی

سبک نوشتاری و ویرایش مطالب

عالی خیلی خوب خوب متوسط ضعیف

صفحه آرایی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

عالی خیلی خوب خوب متوسط ضعیف

طراحی روی جلد تا چه حد در رساندن پیام مجله به مخاطب مؤثر بوده‌اند؟

عالی زیاد زیاد متوسط کم

مقایسه پیامکی : (یا جایزه)

بهترین مقاله :

بهترین طرح صفحه :

بهترین تیر :

اگر همکاری : (صفحه سوم جلد)

در صورت تمایل به همکاری با نشریه آدرس و شماره تلفن و به توضیح مختصر راجع به موضوعات مطالب و حجم و ...

منبر : عالی خیلی خوب خوب متوسط ضعیف

رواق : عالی خیلی خوب خوب متوسط ضعیف

محراب : عالی خیلی خوب خوب متوسط ضعیف

شبهستان : عالی خیلی خوب خوب متوسط ضعیف

سبک کاربردی مطالب

منبر : عالی خیلی زیاد زیاد متوسط کم

رواق : عالی خیلی زیاد زیاد متوسط کم

محراب : عالی خیلی زیاد زیاد متوسط کم

شبهستان : عالی خیلی زیاد زیاد متوسط کم

حجم مطالب در هر سرویس

منبر : عالی خیلی زیاد زیاد متوسط کم

رواق : عالی خیلی زیاد زیاد متوسط کم

محراب : عالی خیلی زیاد زیاد متوسط کم

شبهستان : عالی خیلی زیاد زیاد متوسط کم

تنوع موضوعات و عناوین در هر سرویس

منبر : عالی خیلی زیاد زیاد متوسط کم

رواق : عالی خیلی زیاد زیاد متوسط کم

محراب : عالی خیلی زیاد زیاد متوسط کم

شبهستان : عالی خیلی زیاد زیاد متوسط کم

برداشتن به چه موضوعاتی را در شماره بعد پیشنهاد می‌کنید

آموزشی مهارتی ترویجی فرهنگی سیاسی اجتماعی